

سؤالاتهای اعضا
و جوابهای مسئولین
حزب جمهوری اسلامی

گفتار شماره ۱



بهار ۸۰ ریان

نام کتاب: سؤالهای اعضاء و جوابهای مسئولین حزب

جمهوری اسلامی

تهیه و تنظیم: واحد آموزش

تعداد: ۱۰۰۰۰ عدد

چاپ اول: آذرماه ۱۳۶۳

مرکز پخش: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

* بسمه تعالی *

* مقدمه :

باسلام برحضرت بقیة اللہ الاعظم و نایب برحقش بنیا نگذار
جمهوری اسلامی ایران امامت و بادرو دبروان پاک شهـدا
خصوصاً " ۷۲ راست قامت جاودانه تاریخ در معبد عشق و عرفان
بویژه دبیران کل شهید حزب جمهوری اسلامی شهید مظلوم آیتة
الله دکتر بهشتی و شهید داداشمنند حجة الاسلام دکتر باهنر رحمۃ الله
علیهم .

نظریه اینکه موسسین بزرگوار این تشکیلات اسلامی برآموزش
توجه خاص داشته و دارند .

لذا این واحدهت بهره مندی هر چه بیشتر اعضاء حزب جمهوری
اسلامی از نظریات موسسین و اعضاء شورای مرکزی علاوه بر
انتشار نشریات و جزوات درسی مصمم با انتشار سلسله
گفتاریست که جای سئوالات اعضاء و جوابهای مسئولین میباشد .
اولین گفتار این مجموعه شامل سئوالهای اعضاء منتخب
حوزه ها تهران و همچنین دبیران دفاتر حزب جمهوری اسلامی
از سران کشور و جوابهای حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی
رفسنجانی در ۲۵ شهریور ماه ۶۳ و حجة الاسلام والمسلمین سید علی
خا منهای در ۲۹ شهریور ماه ۱۳۶۳ می باشد .

امیدواریم که هر چه بیشتر پیوند و محبت و اخلاص در این معبد
شهیدان، در راستای اسلام و ولی فقیه زمان سر لوحه کار و
تلاش هر عضوی از اعضاء حزب جمهوری اسلامی بوده باشد .
انشاء الله

واحد آموزش

مهرماه ۱۳۶۳

بسم الله الرحمن الرحیم

سؤالات اعضای منتخب حوزه های تهران و پاسخ های حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

جلسه بسیار خوبی است و بسیار خوشحالم که خداوند توفیق
مواجهه با برادران و خواهران عضو حزب جمهوری اسلامی را عنایت
کرد، مضافاً آنکه نیاز به بررسی بعضی از مسائل جاری کشور
و حزب بخوبی احساس میشود .

قبول می کنم کمی رسیدن ما به حزب مایه خسارت است و
باید بیشتر به آن برسیم ولی متأسفانه مسئولیتهای ما آنقدر
زیاد، متراکم و متنوع است که به بعضی ها پیش من جمله حزب خوب
نمی رسیم . علت هم این است که فکرمی کنیم افرادی انتخاب
شده و صالح در حزب هستند و فرضاً " اگر ما وقت کمتری را صرف
آن کنیم میتوانند با خودشان را بدوش بکشند و در نتیجه ما
می توانیم به جاها و مسائل دیگری که ضرورت بیشتری به حضور ما
احساس میشود برسیم اما در عمل می بینیم علیرغم خوب بودن
افراد، حزب مسائل خاص خودش را دارد و باید وقت بیشتری
را صرف آن نمود .

ابتدای خواستم صحبت کنم ولی با مروری که به
سئوالات کردم فکرمی کنم در حین پاسخ به سئوالات مزبور،
موضوعاتی که در نظر گرفته بودم مطرح میشود و لزومی بر صحبت
جداگانه نمی بینم .

* سئوالات تشکیلاتی :

س ۱- چرا مواضع حزب که میتواند محور وحدتی برای اعضاء باشد منتشر نمیشود در حالی که بیش از یکسال از کنگره گذشته بسیاری از اختلافات مربوط به مواضع شخصی افراد است.

ج ۱- اینکه تا خیر شده صحیح است ولی برنامها که بر روی مواضع را در همان وقت مشخص به پایان رساندیم یعنی وقتی بنا شد کمیسیونی تشکیل شده و مواضع را با جمع بندی پیشنهادهای که در کنگره شده بود اصلاح کند و اصلاح نهایی بعنوان نظریه قطعی کمیسیون منتشر شود، ظرف شش ماه توسط این کمیسیون که بنده هم جزء آن بودم مواضع، کاملاً اصلاح گردید البته بدون آنکه تغییر مهمی در مسائل عقیدتی و اقتصادی آن بعمل آید. در مسائل اجتماعی مطالبی تکمیل و اضافه شد و پیاپی کنویس کردن آن با فترت مجلس شورای اسلامی و مناسبتهاهای دیگری مصدق شد و نتیجه این شد که امکان گرد همایی برای ما پیش نیامد. اخیراً " مدت ۲ ماه است که پانویس شده اش آمده شده و انشاء الله در اولین هفته ای که مجلس بعد از تعطیلات، جلساتش را آغاز می کند با اختصاص یک جلسه (که برای مرور نسخه پانویس شده مواضع کافی بنظر میرسد) آمده چاپ میشود و اگر اجرائیات حزب خوب عمل کنند در ظرف یک ماه آینده چاپ خواهد شد.

منتها بنده اینطور که اینجا گفته شده (که مواضع محوری می شود و دیگر اختلافاتی نخواهد بود) فکر نمیکنم زیرا مسائل فکری و اجتماعی صوری بوده و هر کس می تواند

با فکر خودش آنها را تفسیر کنند. شما می بینید در تفسیر حرفهای امام با آن صراحتی که ایشان در صحبتها نشان دارند با زدودستگی ایجاد می شود و هر کسی بنا بر سلیقه شخصی خود حرف میزند خوب، مواضع که از صحبتهای امام نمی تواند روشن تر باشد در نتیجه با هر کس برداشت مخصوصی میکنند و مسائل اقتصادی و اجتماعی هم قابل بحث و جدل است لذا حزب بعد از مواضع به محورها و مراجع دیگری بمنظور رفع اختلافات نیا زمندا است و الا قبل از کنگره هم علیرغم رسمیت داشتن مواضع شایسته اختلافات بودیم.

س ۲- چرا شورای مرکزی حزب در مورد مسائل روز موضعگیری نمیکنند، بیا نیه نمیدهد و تکلیف اعضاء را مشخص نمیکند. اعضاء حزب که در گذشته به مردم آگاهی سیاسی میدادند در بعضی موارد بابت تکلیف ترازمردم هستند.

ج ۲- با توجه داشت که همه کارها مربوط به شورای مرکزی نمیشود. مثلاً " واحد سیاسی باید فعال باشد و برای بسیاری از مسائل سیاسی تحلیل داده و آنها را در اختیار اعضای حزب قرار دهد. از طرفی شورای مرکزی از یکپارچگی لازمی که بتواند فعال باشد برخوردار نیست و لذا نمی تواند تقویت لازم را برای تصمیمگیریها داشته باشد و نتیجتاً " در میان اعضای حزب هم یکپارچگی لازم یک حزب دیده نمیشود و برای حل این مسئله باید فکر کنیم و این اشکال تا حد زیادی وارد است.

س ۳- اعضاء حزب در مقابل شورای مرکزی و مراکز رسمی

تصمیم‌گیری در حزب چه وظیفه‌ای دارند آیا اجرای مصوبات آنها مانند مصوبات مجلس شورای اسلامی یا مراکز دیگر قانونگزاری حالت وجود دارد یا هرکس در اجراء یا عدم اجرای آنها مختار است؟

ج ۳- این مسئله از مسائلی است که هنوز در حزب بطور کلی حل نشده و همین حالا این بحث را در سطح بالا هم داریم. من چیزی را از شما مخفی نخواهم کرد، یعنی روشن می‌گویم تا توقعات آن در حد واقعیتها باشد.

وقتی که استیضاح آقای ناطق نوری در مجلس مطرح شد بحثی در حزب پیش آمد به این صورت که اگر حزب که آقای ناطق عضو شورای مرکزی اش می‌باشد با استیضاح ایشان مخالف باشد آیا نمایندگان مجلس که حزبی هستند میتوانند به ایشان رای مخالف دهند و موافق استیضاح ایشان باشند؟ و یا مثلاً در مورد وزرایی که برای رای گیری به مجلس می‌روند اگر شورای مرکزی موافق آنها باشد همین مسئله مطرح است که آیا نمایندگان حزبی مجلس حق دادن رای مخالف را دارند یا نه؟

در سطوح پایین‌تری هم این مسائل مطرح است و باید دید حق ولایت حزب بر اعضاء تا چه حد است؟ و آزادی اعضاء حزب در آراء و عملشان در مغایرت با تصمیمات شورای مرکزی چقدر است؟ و این مسئله الان در شورای مرکزی مورد بحث است و نظرات متفاوتی در مورد آن وجود دارد.

یک نظر این است که هر چند اسلام و قانون اساسی آزادی افراد را محترم شمرده‌اند و آزادی اصل محترمی است

و کسی نمی‌تواند رایش را تابع آراء دیگران کند، ولی چون در نظر گرفتن مصلحتی که ما در کار دسته‌جمعی داریم مهم است و عدم رعایت این مصلحت باعث خدشه‌دار شدن اصل حزب و حزب می‌شود و دیگر زمینه‌های برای حزب وجود نخواهد داشت و هر وقت تصمیمی اتخاذ شود عده‌ای با عنوان کردن اینکه با آن مخالفند از آنجا مش خودداری می‌کنند لذا باید این محدودیتها را به پذیریم و تصمیمات مسئولان حزب را اجرا کنیم.

نظریه دیگری می‌گوید که ما قبل از حزبی بودن، مسلمانیم و اصلاً خلاف شرع است که فردی به دیگری رای دهد در صورتیکه صلاحیت لازم را در او نمی‌بیند و عمل کردن بر خلاف عقیده، مغایر با قانون اساسی و اسلام است و تابع بودن در این مورد معنی ندارد و اصلاً تصمیمی که بر خلاف شرع و نظر مرجع تقلید و یا قانون باشد اصلاً حزب حق تحمیل آنرا ندارد زیرا حزب در نظام ویژه‌ای فعالیت میکند و برخلاف قوانینی که در چهارچوبه این نظام هستند نیز نمی‌توانند کاری انجام دهد.

اما باید گفت موضوعاتی از این قبیل که فرضاً چه کسی وزیر باشد یا رای به فلان وکیل بدهیم یا نه، مسائل شرعی نیستند بلکه عرفی می‌باشند. ممکن است کسی رای دادن به یک وزیر را از آن جهت که مفید به حال کشور است مصلحت بدانند و دیگری آنرا مصلحت نداند.

البته ممکن است بعضی به تبع تشخیص اینگونه مسائل عرفی، یک وظیفه شرعی برای خود درست کنند ولی عقیده

ما این است که در اینجا وظیفه شرعی بدنبال ندارد بلکه فرد باید با طررعاایت مصلحت (تقویت حزب) تابع نظرات حزب باشد، همانند قوا نینی که برای رای گیری به مجلس می آیند که در هر صورت اکثریتی و اقلیتی هستند که با قانون موافقت و یا مخالفت می کنند و مثلاً " ممکن است ۱۰۰ نفر موافق و ۱۰۱ نفر مخالف باشند ولی پس از رای گیری نظراً اکثریت، حاکم می شود و دیگران هم باید متابعت کنند .

بهر حال مسئله پیچیده ای است و در خود شورای مرکزی نیز حل نشده و همین حالا بعضی از نمایندگان عضو شورای مرکزی و یا نمایندگان حزبی به وزرای تأیید شده توسط شورا در مجلس رأی نمیدهند .

از نظر بنده مسئله کم و بیش حل است . البته نه به حالت افراطی بلکه به صورت معتدلش . درحالی که تصمیمات گرفته شده در حزب برخلاف قانون و فتوا نباشد و مرکزیت هم افراد صالح و خوبی باشند، قابل قبول است که فرد حزبی تابع تصمیمات گرفته شده باشد .

این از مسائل مهمی است که حتی در شورای دآوری هم روی آن بحث است . مشکل اینجا است که بعضی از دوستان در شورای دآوری در مورد قضاوت تردید دارند بخاطر آنکه فرضاً " از کسی شکایتی شده و وقتی از او خواهند توضیح می شویم در جواب می گوید که من عقیده ام این است و لذا تخلف کرده ام و در نتیجه من نمی شود به او گفت چرا به عقیده ات عمل کردی .

نتیجتاً " در این مورد هنوز تصمیم قاطعی گرفته نشده ولی در صورت اتخاذ چنین تصمیمی حتماً " به شما ابلاغ میشود .

س ۴- بحث سیاسی در حوزه ها لازمهاش بیان نقاط قوت و ضعف یک ارگان یا یک مسئول میباشد و یا انتقاد به عملکرد یک فرد یا یک نهاد، آیا این بحثها غیبت محسوب میشود؟

ج ۴- یکی از مواردی که غیبت در آن استثناء شده مقام مشورت است که انسان ناچاراً است نظر خود را در مواردی که مربوط به کارهای اجتماعی است بازگو کند و اینطور نیست که خیال کنید هیچ چیز از این حرفها را نمیتوان زد منتهی این مسائل دارای حدود شرعی هستند که باید شناخته شوند .

جایز نیست مسائلی که مربوط به عیوب شخصی افراد است در این بحثها مطرح شود زیرا عیب جویی از افراد نوعی کینه توزی است اما اگر موضوعی مربوط به مصلحت جامعه می شود و مثلاً " در مورد کاریک وزیر در وزارتخانه ای سؤال می شود هرکس می تواند عیوب اجرایی و محاسنی را که می بیند گزارش دهد . در موقع رسیدگی به مصالح و مسائل عمومی کشور بحث از نقاط قوت وضعفی که مربوط به این مصالح باشد غیبت محسوب نمی شود منتهی این مسائل باید محرمانه باقی بماند و بدست دیگران نرسد و رازداری کاملاً حفظ شود .

والبته یک نکته ظریف و دقیق هم وجود دارد که ممکن است هوی و هوس و دوستیها و دشمنیها انسان را وادار کند حرفهای دیگری را مطرح کند یا بدهمیشه در نظر داشته باشیم

که خداوندناظر بر اعمال ما است. در اینجا کسی نمی تواند مرز مشخصی را برای عدم تجاوز از این بحثها مشخص کند و متنبه به خشخشا ش بگذارد و همیشه ما در بحثهای اجتماعی چنین چیزهایی را داریم.

س ۵- با توجه به سفارشات مکرر حضرت امام در مورد تقویت نهادها، ارگانها و مسئولین مملکتی، آیا بحث و بررسی پیرامون عملکرد آنها در حوزه های حزب و بیان نقاط قوت و ضعف از طرف اعضاء تضعیف محسوب میشود؟

ج ۵- حدتضعیف با عدم مشورت و بحث فرق دارد و اصلاً این تقویت است که پنج یا ده نفر در حوزه بنشینند و بوسیله موضوعی رسیدگی کنند البته به شرطی که به طور "سالم" عمل شود.

اصلاً ما حوزه تشکیل نداده ایم که کسی را تضعیف کنیم بلکه نشسته ایم تا ضعفها را تشخیص دهیم و اگر می توانیم در راه رفع و جبران آنها کمک کنیم و اگر قابل جبران نیست پیشنهاد کنیم فلان شخص جان نشین این شخص گردد. تضعیف در صورتی است که پس از بحث در حوزه ها این مسائل به بیرون جامعه منتقل شده و به رخ دیگران کشیده شود.

جلسات مشورت و رسیدگی در همه جا هست مثلاً کمیسیونهای مجلس کارشان همین است و مسائلی که قابل طرح کردن در جامعه نیست در آنجا مطرح میشود و در بقیه ارگانها هم چنین جلسات مشابهی وجود دارد. مثلاً در جلساتی که در ارتش، سپاه، نخست وزیری یا ریاست

جمهوری تشکیل می شود نقاط قوت و ضعف افراد با زگو میشود که فرضا "این آقا مدیریتش قوی یا ضعیف است، سوابق خوبی ندارد و آن محل را بدنام می کند، خوبش و نداشتش در کارها دخالت می کنند و دوست با زاست و یا امانت دار نیست و مسائل از این قبیل مطرح میشود. پس بحث در باره عملکرد یک نهاد در حوزه حزبی بمنظور اصلاح کار، اشکالی ندارد. البته کسی بخواد هدف فقط بعنوان کینه توزی عیب کسی را پخش کند در مقام اصلاح هم نباشد و تنها قصد کوبیدن فردی را داشته باشد، این کار غلط و غیر مجاز است و در واقع اشاعه فحشاء و عیب جویی است و اگر هدف اصلاح و مدد واری در دهها باشد بلا مانع است و کار حزب و دیگر جمعهای مشورتی و تصمیم گیری نیز همین می باشد.

این موضوع را نیز باید در نظر گرفت که شرایط در مواقع مختلف فرق می کند و همواره بصورت یکنواخت نمی توان قضاوت کرد اما در همه حال نیت افراد، بسیار مهم است.

س ۶- جناب عالی بعنوان رئیس مجلس شورای اسلامی برای اداره جناحهای مختلف که در مجلس هستند از روش حکیمانهای استفاده میکنید با توجه به محذورات و اهمیت بسیار زیاد اداره مجلس آیا سخنان شما در داخل مجلس میتواند در نظر رسمی و شخصی شما بعنوان یکی از مسئولین طراز اول حزب جمهوری اسلامی محسوب شود یا فقط سخنان شما در جلسات حزب نظر رسمی شما است.

ج ۶- هر جا من مطلبی را بیان کنم نظر شخصی ام میباشد در داخل مجلس، نماز جمعه و یا هر جای دیگر. اما اینکه آیا نظر حزبی من باشد، خیر. من بعنوان حزب در مجلس حرف نمی زنم بلکه بعنوان رئیس مجلس، نماینده مردم و یک مسلمان سخن می گویم. کما اینکه در نماز جمعه نیز همینگونه است.

بنا بر این نظراتی که برای منی کنم نظرات حزب نیست و ممکن است اصلاً در حزب مطرح نشده باشد و یا اگر هم مطرح شده عده ای با آن مخالف یا موافق بوده اند. و چنین قیدی هم وجود ندارد که هر چیزی که ما می گوئیم الزاماً باید مورد نظر حزب باشد مگر در جایی که حزب تصمیمی گرفته باشد و آن اصل را نیز که "باید تابع نظر حزب باشیم" پذیرفته باشیم که در آن صورت حزبی میشود.

لذا در غیر این صورت اظهاراتی که در مصاحبه ها، مجلس، نماز جمعه، سخنرانیها و ملاقاتها می کنم با مسئولیت خودم و نظر شخصی ام می باشد.

س ۷- آیا سخنرانیهای حضرت امام در جایی که صریح و روشن باشد میتواند برای اعضای حزب بعنوان موضع رسمی حزب تلقی شود و آنرا تبلیغ کنند یا اعضای باید منتظر شوند تا حزب در آن مورد بیا نیه رسمی دهد؟

ج ۷- ما رهبری را پذیرفته ایم و امام را رهبر واجب الاطاعه می دانیم. حزب ما تابع رهبری است و اصلاً "چنین امکانی وجود ندارد که حزب برخلاف نظر امام، نظری

بدهد و احتیاج نیست که ما سخنان امام را در حزب مورد بحث قرار دهیم و روی آن فرمان جدیدی صادر کنیم و بگوئیم که حزب طالا میتواند عمل کند.

شما در مورد فرمایشات امام که برایتان محرز است به عنوان حزب هم میتواند حرف بزند و حزب بر اساس اصولش موظف است که تابع امام باشد و ما نمی توانیم برخلاف امام صحبت کنیم و مصوبه حزب که برخلاف فرمایشات امام باشد اصلاً ارزشی ندارد و فرد حزبی نیازی ندارد که منتظر بنشیند تا تأیید سخنان امام را از حزب بشنود.

بنا بر این مطلقاً "در جایی که نظر امام را بدانید میتواند آنرا اعلام کنید بلکه از طرف حزب نیز "وظیفه" دارید که این کار را بکنید. حزب ما، حزب امام است و در خدمت رهبری ما با شد و با قبول اطاعت رهبری، کار می کند. ولایت حزب حتماً "تحت الشعاع ولایت رهبری است.

س ۸- شورای فقهاء که در کنگره اول تصویب شد و بنظر می رسید، پشتوانه بسیار خوبی در حرکت های اجتماعی حزب محسوب میشود و در موارد اختلافی میتواند راه صحیح را نشان دهد چرا تا کنون نقش چشمگیری نداشته است؟

ج ۸- شورای فقهاء برای تصویب مصوبات حزب است که آیا خلاف شرع هست یا نیست و کار دیگری ندارد و از این جهت شما مسأله ای ندارید و هر مصوبه ای از حزب که اعلام شده و بدست شما رسیده باشد چیز خلاف شرعی نداشته است

که شما بگوئید شورای فقهاء کارگشا است .

حزب چه چیزی تصویب کرده که شبهه خلاف شرعی داشته است البته اگر شورای فقهاء فعال باشد اطمینان بیشتری می بخشد زیرا ممکن است در شورای مرکزی سی نفری که مرجع تصمیم گیری است علاوه بر عده ای که کارشناس مقبول اسلامی هستند خیلی ها هم باشند که آگاهیه های لازم را در همه ابعاد ندارند و ممکن است اکثریت به چیزی رای بدهد که شرعی نباشد که در این موارد شورای فقهاء حلال مشکل می شود ولی من تا بحال نمی دانم که چنین موردی پیش آمده باشد یا نه . اگر موردی را سراغ دارید که در شرعی بودنش مشکوک هستید لطفاً آنرا به ما اطلاع دهید که در این صورت تحقیقا " شورای فقهاء تشکیل می شود . لذا تا بحال نیازی به تشکیل این شورا احساس نشده است .

مشکل دیگری که وجود دارد این است که شورای فقهاء باید ۳ یا ۵ نفر باشد در حالیکه ما الان ۴ نفر هستیم که با هیچیک از این دو مطابقت ندارد و نفر پنجم هنوز انتخاب نگردیده است و لذا شورا تشکیل نمی شود .

س ۹- شورای داوری که قوه قضائیه حزب است عملاً اثر وجودی از او مشاهده نشده لذا اولاً " معلوم نیست کدام کارها تخلف است و چه کسی متخلف و ثانیاً " کسی ترس از تخلف ندارد چرا که اطمینان دارد شکایت دیگران نتیجه بدنبال نخواهد داشت ؟

ج ۹- یکی از علل آن داوورانی هستند که توسط شما انتخاب

شده اند و واقعاً " فرصت اینکار را ندارند . مثل من و آقای خا منهای که عضواً این شورا هستیم ، زیرا گاهی لازم است که روی پرونده ای ۳ یا ۴ ساعت کار شود که این روزها کمتر وقتی برای اینکار وجود دارد . گاهی بعد از جلسات حزب که معمولاً " هفته ای یک بار تشکیل می شود ، جلسه ای داریم و مسائل را مورد بررسی قرار می دهیم که نوعاً " مربوط به اختلافات دو طرز تفکری است که در حزب وجود دارد .

البته طرفین نیز دفاعیاتی برای خود دارند که ما میبینیم بحث ریشه ای ترا ز آنست که ما بدون رسیدگی به اصل مسائل به این موارد برسیم .

به هر حال این مسئله را می پذیریم که در حال حاضر شورای داوری فعال نیست و به جز رسیدگی به چند مورد ساده وسطی ، کار خیلی زیادی انجام نداده است .

س ۱۰- بعضاً " مشاهده میشود که در وقت در حوزه به بحثهای سیاسی میگذرد لطفاً " بفرمائید چه انتظاراتی از اعضای حوزه ها دارید .

ج ۱۰- در اساسنامه و آئین نامه حزب ، وظایف حوزه ها مشخص شده و در واقع هسته اصلی ورکن کار حزب ، حوزه ها هستند . افراد حزبی ، افرادی هستند که فرصت بیشتری برای کار در حوزه ها دارند . این حوزه ها اگر فعال نباشد و مسائل حزب در آنجا جدی نباشد ، حزب چیزی نیست . تصمیم گیری های شورای مرکزی ، واحدهای پشتیبانی و تشکیلاتی و یا دبیرکل در مقام عمل موقعی

میتوانند با ارزش و مفید باشند که در حوزه‌ها مطرح شوند. بنا بر این حوزه‌ها باید منظم بوده و جلسات و بحث‌های مرتب داشته باشند و بدون برنامه دنبال حوادث نیفتند و نتیجه جلسات هفتگی‌شان محسوس باشد، در مسائل جاری کشور فعال بوده و اشکالاتی را که به حزب دارند زود منتقل کنند و مسئولین بالاتر حزب را تحت فشار قرار دهند تا اشکالات رفع شود و در مسائل مالی حزب جدی بوده و کمک کنند. بدنه اصلی حزب را حوزه‌ها تشکیل می‌دهند و حال اگر وقت حوزه‌ها به بحث در مورد یک موضوع و احیاناً "اختلاف سلیقه‌ها گذرانده شود و بعد هم اعضا حوزه‌ها دنبال کار خود بروند، تحقیقا " نتیجه دلخواهی حاصل نمیشود و از این رو واحدهای پشتیبانی باید خوراک فکری لازم را برای حوزه‌ها تهیه کنند.

س ۱۱- گاهی در محلات و مساجد افرادی از فعالیت افراد حزب جلوگیری میکنند در این موارد باید کناره‌گیری یا با بید در صحنه باقی ماندن و از حق خود دفاع کرد؟
ج ۱۱- شرایط در حالات مختلف یکنواخت نیست بصورتی که گاهی باید کناره‌گیری و زمانی باید در صحنه بود و از حق خود دفاع کرد.

اگر این حالت در یک مسجد پیش بیاید که متولی و امام جماعت دارد واضح است که استفاده کردن از محیط و مجلس، شرایطی دارد و باید طوری عمل شود که مشروع باشد و اگر نتوانید با معیارهای آن مسجد آنجا باشید و از شما خواستند کناره‌گیری کنید، می‌روید و در محل دیگری

فعالیت می‌کنید.

به عبارت دیگر باید دید آن کسی که مزاحم شماست کیست آیا یک مزاحم قانونی و حق است که در این صورت اگر از شما خواستند باید بپذیرید.

ولی اگر یک مزاحم سیاسی و ناحق است و یا کسی است که می‌خواهد اذیت و مخالفت بکنند باید مقاومت کنید.

بهر حال در مقابل مخالفتها و کناره‌زنیها بیخود، باید مقاومت کرد و در مواردی که با بید قبول کرد و جای دیگری رفت زیرا ما غایب نیستیم خواهیم در مسجد یا جای دیگری باشیم.

س ۱۲- گاهی در حوزه‌ها بین افرادی که اختلاف نظر دارند بحث میشود و گاهی افراد نسبت به هم تند میشوند و اختلافاتی پیش می‌آید لطفاً " ضوابطی را بفرمائید که با رعایت آن زمینه همکاری و وحدت به حد اکثر ممکن برسد و اختلاف نظرها باعث کدورت شود.

ج ۱۲- ضوابط اخلاق اسلامی را تعیین کرده‌اند. جدل از بحث و مذاکره جداست و اینها دو ماهیت دارند. یک وقت انسان در بحث حالت تعصب، باندبازی و لجاجت بخود می‌گیرد که این گناه اخلاقی و مضرت و همین‌ها هست که به تندی می‌انجامد اگر انسان زبان منطق نداشته باشد و بخواد با فحاشی و جدل پیش برود طرف مقابل هم واکنش تندی نشان می‌دهد.
اگر شما با اخلاق اسلامی برخورد کنید و واقعاً

عقایدتان را با استدلال مطرح کنید و لجاجت و یکدندگی بی مورد بخرج ندهید و اگر تعصب، با ندبازی و گمراهی گرایبی بر مذاکرات شما سایه نیسفت کند این مسائل نباید پیش بیاید.

البته انسان خالی از لغزش نیست و گاهی بین انسانهای خوب و علماء نیز جدال در مسائل دینی را می بینید که حالت استثنائی است.

در حوزه ها و بحث های که در این مورد در آن تعصب خالصی کنید و طرفداری از جریانها در مذاکره شما اثر نگذارد.

در حوزه ها شما قصد قانع کردن هم را دارید نه اینکه پس از دو ساعت بحث با دعوا از جلسه بیرون بروید.

در بحث اخلاق، آداب مباحثه وجود دارد. و اگر مراعات کنیم و دست از تعصبات و بی مورد برداریم این دعواها پیش نمی آید و اگر روزی دیدید که جلسات حوزه ها به همین نحو تمام می شود بدانید که این حوزه، حوزه مفیدی نیست و باید فکری برایش بکنید و مثلاً ترکیب آن را تغییر دهید زیرا این وقت تلف کردن و به نتیجه نرسیدن است و متأسفانه در سطح بالا هم از این چیزها داریم.

س ۱۳- مهمترین مسائلی که اعضاء حزب باید برای حفظ اصالت و سلامت فکری و روحی خود بیشتر روی آنها تاکید داشته باشند تا قداست حزب جمهوری اسلامی حفظ شود را بفرمائید؟

ج ۱۳- این از آن دسته موضوعاتی است که میتواند مبنای یک سخنرانی قرار بگیرد. اولاً "ما اسلام و تقوا را مهمترین

اصل می دانیم.

افراد باید تقوا و روضیه سلامی و اجتماع را حفظ کنند و گروه گرایبی در داخل حزب را حل کنند تا بتوانند سالم تر با مسائل برخورد نمایند و اگر حزب را قبول دارند مصالح حزب را مقدم بر مصالح شخصی قرار دهند، اهل مطالعه و فکر باشند تا با خلاقیتی را رعایت کنند و بی اطلاعی و خودخواهی را از خود دور کنند. که اینها نواقض ضعف این چنینی انسان را در جریانات دیگری قرار می دهد.

س ۱۴- همه اعضاء حزب به اعتبار جناب عالی و آقای خامنه ای در حزب بودن را برای خود وظیفه میدانند آیا تا کنون مواردی اتفاق افتاده است که نظر جناب عالی و آقای خامنه ای در شورای مرکزی در اقلیت باشد و رای نیاورد در این حالت تکلیف اعضاء چیست.

ج ۱۴- بله چنین مواردی اتفاق می افتد ولی تکلیف کاملاً روشن است. ما خودمان وقتی که در حزب هستیم فکرنمی کنیم که حق و توداریم. ما پذیرفته ایم و می خواهیم با شما و دیگران همکاری کنیم. ما مثل آن آن ۳۰ نفری که در شورای مرکزی هستند دیدیم که رای داری هم نیست. البته معمول اینست که ما در دفاع اگر با هم از قضیه های دفاع کنیم آن موضوع رای می آورد.

ولی مواردی هم هست که موضوع مشترک ما را اکثریت قبول نمی کنند و نتیجتاً ما هم می پذیریم.

پس شما هم توقع نداشته باشید که اگر بخوانید حیزب داشته فقط رای ما ۲ نفر حاکم باشد که در این صورت ما باید یک جلسه دو نفره تشکیل بدهیم که این دیگر حزب نیست و ما چنین توقعی نداریم. ما به حزب احمیت می دهیم و لذا حاضریم که آراء ما شکست بخورد، مصلحت کار دستجمعی وحل و فصل خصومت ها ایجاب می کند که تابع یک معیار عرفی باشیم که آن هم اکثریت است و معیار خوبی است البته در شورای رای گیری، شورای فقهاء نیز وجود دارد، که تصمیماتی را که خلاف شرع باشد رد می کند و در نتیجه شما هیچ شبهه خلاف شرعی ندارید. در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان هم هنگام رای گیری ممکن است اقلیت و اکثریتی بوجود بیاید و نظرا اکثریت غالب شده و منجر به تصویب قانون شود در عین حال که نظرا اقلیت صحیح باشد ولی مصلحت کار دستجمعی ایجاب میکند که پس از تصویب همه تابع قانون باشند.

منتهی آدمهای قوی تر و مورد اعتمادتر در چنین جمعی میتوانند حرفشان را به دیگران بقبولانند و دوستان شما در شورای مرکزی آدمهای خوبی هستند و آنطور نیستند که مثلا "خدای نکرده بخاطر بعضی از تعصبها مصالح را زیر پا بگذارند."

بنا بر این تکلیف اعضای حزب کاملاً روشن است و در مورد هر نوع مسئله که ممکن است هنوز هم حل نشده باشد، باید دستورات حزب را حتی در صورتی که نظر من

و آقای ظمنه ای هم در آن نباشد چرا کنند.

س ۱۵- با توجه به اینکه در داخل حزب سلیقه های گوناگون وجود دارد ولی دونوع تفکر مشخص ترا زبقیه بچشم میخورد و این دو تفکر رقابتها با هم دارند آیا این حالت طبیعی و عادی است یا غیر عادی و چه راههایی را پیشنهاد میفرمائید تا سلامت کل حزب و حرکت آن حفظ شود.

ج ۱۵- این مسأله خیلی اساسی است که بعنوان یک مشکل با آن مواجه هستیم و بسیاری از این نقصها و دلزدگیها که دیده میشود از اینجاست می شود و در پیشه این مسأله تنها در حزب نیست بلکه در کل جامعه است.

بعضی ها در این مورد با من بحث کرده اند ولی من قانع نشده ام و هنوز هم این مسأله حل نگردیده است.

هما نظور که بارها گفته ام و سخت هم به این مسأله پای بندهستم، در میان مسلمانان حزب که هر دو آنها پیرو خط امام هستند و طرز تفکر در مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و واقعاً "اختلاف سلیقه است. این مسأله منحصر به قشر خاصی هم نمی شود و در میان علماء، طلبه ها و مدرسین هست، در بین نمایندگان مجلس و در شورای نگهبان هم وجود دارد و در میان بازاریها، دانشجویان و کارگران هم به آن برمیخوریم.

در شورای طرز تفکر این دو جناح اسلامی، دو طرف فاسدی هم هستند که به این مسائل ما من می زنند، کمونیستها و سوسیالیستها به کار آن گروه کمی تندتر فکر می کنند و سرمایه دارها و مستکبرین به کار آن عده که

مقداری محافظه کارتر و بازتر در مسائل اقتصادی می اندیشند اما من می زنند. در این میان، مسلمان نهایی هستند که با طرز تفکرهای مختلف با هم درگیری دارند و من فکر می کنم این گونه مسائل در همه جای دنیا وجود دارد. اینکه مثلاً می بینیم در انگلستان حزبی بنام کارگر و دیگری به نام محافظه کار، در آمریکا دمکرات و جمهوری خواه و در فرانسه احزاب سوسیالیست و گلیست بوجود می آیند بخاطر وجود دو طرز تفکر مختلف است. بعبارتی در حال حاضر هر دو طرز تفکر اقتصادی اجتماعی در دنیا طرفدارانی دارد.

یک گروه بیشتر طرفدار این هستند که دولت حتی الامکان کارها را قبضه کند و اجازه ندهد که بخش خصوصی زیاد به میدان بیاید و در نتیجه تبعیضهای اقتصادی و رفاهی ایجاد شود دولت سعی کند با فشار، مردم را پیوسته هم سطح و نزدیک هم نگهدارد. حالاً شدت این طرز تفکر در کشورهای کمونیستی است و متعادل ترش در کشورهای سوسیالیست غربی می باشد. در جوامع اسلامی هم، چنین طرز تفکری هست ولی اینها دیگر سوسیالیست و اینطور چیزها نیستند و فشار دولت برای هماهنگ کردن سطح زندگی مردم با درجه های مختلف وجود دارد. طرز تفکر دیگری می گویند، مردم آزاد هستند، بگذارید هر کاری خواهند بکنند با آخره استعدادها بروز می کند، یکی بیشتر و دیگری کمتر پیدا می کند و نتیجتاً یکی فقیرتر و دیگری پولدارتر می شود خوب اجازه دهید هم

استعدادها کارکنند آنگاه بعضی به بعضی دیگر کمک کرده وزیر بالشان را می گیرند. خلاصه آنکه یک نوع آزادی بالاتری را پیشنهاد می کند.

تا آنجایی که به حزب و دوستانی که می شناسیم مربوط می شود من در ۲ طرف حسن نیت می بینم نه اینکه افراد ناب در ۲ طرف نیستند بلکه اصل تفکر در هر ۲ گروه سالهاست. یکی عقیده دارد که مصلحت جامعه در آزادگذاشتن مردم است تا اقتصاد شکوفا تر شود و فقرا را هم گروه دیگری کمک دولت اداره کنند. دیگری می گوید اگر اینکار را بکنیم دوباره به تبعیضات زمان شاه و بدتر از آن می رسیم هر دو در مقابل یکدیگر هم ایستاده اند. حال مسأله مهم این است که آیا حزب میتواند هر دو جریان را در بطن خودش حفظ کند یا نه.

در کشورهای دیگر معمولاً اینها دو حزب می شوند، مثلاً یکی حزب سوسیالیست و دیگری حزب محافظه کار را تشکیل می دهد و در مقابل هم قرار می گیرند و وقتی که یکی از این دو جریان حاکم است دیگری توقعی از وی ندارد.

هر کس برای مردم بهتر کار کرد برای می آورد، اگر هم نظام دیکتاتوری حاکم باشد هر کس ابزار قدرت را در اختیار داشت کار می کند، دیگری هم می ترسد و چیزی نمی گوید.

مشکل ما این است و باید حل شود که آیا واقعاً میشود یک حزب داشته باشیم و این دو طرز تفکر هم در آن باشند و در عین حل رفیق بوده و بدون برخورد و مشکلاتی که شما

می بینید بتوانند حزب را اداره کنند.

البته جناح رادیکال و محافظه کار در احزاب دنیا وجود دارد اما با لایحه تضاد و تفاوت آنها در حد قابل تحملی است.

به هر حال الان در جامعه و کشور ما حزبی نیست که به اندازه حزب جمهوری اسلامی معتبر باشد که هر کس از طرفداران این دو سلیقه خواست آنها برود اگر ۲ حزب در مقابل یکدیگر تشکیل شود بسیار بعید می دانم که این کار مصلحت و صحیح باشد زیرا حدود اختلافات تا این اندازه نیست مضافاً اینکه ما در اسلام معیار داریم.

در انگلستان و فرانسه، مرجع تقلید و رهبری به آن معنا ندارند که هر چه گفت همه قبول کنند و از طرفی چارچوبی هم بنام اسلام وجود ندارد که در محدوده آن صرف بزنند بلکه حزب کارگر هر چه شورای مرکزی یا دفتر سیاسی اش رای داد، آنها قانون می دانند و مرجع بالاتری برای نظارت وجود ندارد.

در مورد احزاب اسلامی، وضع بدین شکل نیست و آن نوع آزادی که احزاب دیگر دارند و برای خودشان می خواهند واقعاً نداریم.

همانطور که قبلاً گفتم یک بحث عمیق هست که این حزب تا چه اندازه قدرت حزبی دارد و افزایش چه مقدار را بجا دارد و دستورات حزبی را بپذیرند.

طبق همان مطلب با لافرض کنیم که حزب رادیکال تشکیل شود و تصمیمی تند بگیرد که با فتاوی مجتهدین تضاد داشته باشد آنگاه دیگر اصلاً ارزشی ندارد و بچه های مسلمان از آن متابعت نمی کنند عکس آن هم صحیح است. بنا بر این چون مبنای مسئله هنوز حل نشده، مشکل پا برجا است و شما هم توقع معجزه و اینکه ما بتوانیم با همه نفوذ و رفاه قتی که با دوستان دیگر داریم آنها را متقاعد کنیم که دست از عقایدشان بردارند و در مقابل یکدیگر هیچ نگویند و سکوت اختیار کنند، نداشته باشید زیرا محوری برای اینکار وجود ندارد این گروهی که اگر رهبران می کردیم، دو حزب کاملاً جدا بودند الان در

یک حزب هستند منتهی همانطور که انقلاب، مسائلی و مشکلاتی دارد که پاره ای از آنها حل شده و پاره ای دیگر را هم داریم حل می کنیم با تدبیری حل این مشکل اسلامی هم تلاش کرده و راه حل برایش پیدا کنیم که سازگار با آنها تا این حد نباشد که اگر تصمیمی گرفته شد یک جناح اجرا نکند و باعث لطمه زدن به حزب شود.

این از مشکلاتی است که داریم روی آن کار می کنیم تا انشاء الله به نوعی آنرا حل کنیم.

در مورد قسمت دوم سؤال همانطور که گفتم باید با استفاده از مسائلی نظیر فهمیدن مصالح و تربیت حزبی که انسان از بخشی از عقایدش بخاطر دستاوردی که کار دستجمعی دارد صرف نظر کند، کم کردن تعصبها و رعایت جنبه های اخلاقی و پذیرفتن محور مرکزی راههای هستند که داریم روی آنها بحث می کنیم. بنده هم بعنوان

یکنفر از ایدئولوگهای حزب هنوز از خیلی روشنی رازش نمی دهم. در مجلس که کانون این قبیل مسائل و تصمیم گیری ها است، با اکثریت، مسائل حل میشود و بعد قانون میشود و با اعتبار شرعی که پشت قانون هست کسی با آن مخالفت نمی کند. و با همه امکاناتی که دارد از قبیل نیروهای انتظامی و نظامی هر کس هم نکردا و رابه زندان می برند اما حزب اینطور نیست شخص خاصی می گوید ما نیستیم و بیرون می رود.

بنا بر این با رعایت انضباطهای حزبی و مقداری کیفی قابل قبول، مسائل اخلاقی و گذشته در مورد اینک در کارهای گروهی با پیدا ز برخی نقطه نظرات صرف نظر کرد و مسائلی از این قبیل شاید بتوانیم این مشکل را حل کنیم.

س ۱۶- در انتخابات، حزب با یک جناح بخصوصی رقابت داشت و مبارزات و تبلیغات انتخاباتی بطور سالم این رقابت را آشکار میکرد آیا بعد از انتخابات این رقابت باید ترک شود تا اختلاف نباشد یا رقابت باید باشد؟ اگر با پیدا شد لطفاً "ضوابطی را بفرمائید که در این حرکت های اجتماعی انشاء الله رضایت حضرت امام تا مین شود.

ج ۱۶- نظر ما این است که اصلاً آن رقابتها زیاد بوده و در آن حداقل نبود و ادامه آن هم خیلی بد است و جامعه ما یکپارچگی خود را بکلی از دست می دهد.

اما بعد از انتخابات فرمودند اگر امام جمعه و یا کس دیگری به فلان انتخابات اشاره کرد و گفت انتخابات

مخدوش بوده امام چنین شخصی را تفسیق کردند.

انتخابات گذشته است و اگر بخواهیم این اختلافات را ادامه دهیم یکپارچگی جامعه بهم می خورد و گناهی بزرگ است. یقین داریم که امروز انقلاب ما را هیچکدام از این دو جریان بکنهائی نمی تواند اداره کند. حالا که همه با هم هستیم برای بسیاری از کارها حدنصاب لازم و نیروی کافی در اختیار نداریم. مثلاً اگر وقتیکه دانشگاه دست یک جریان افتاد، طرف دیگر خودش را کنار بکشد، میدان به کمونیست ها و لیبرالها داده میشود و یا مثلاً وزارت کشور دست یک جریان افتاد، فرماندارها، استاندارها و غیره بگویند ما نیستیم خوب این اصلاً کشور را بهم می زند پس عدم همکاری در همه جا چنین وضعیتی را بوجود می آورد. در سپاه و ارتش بعثت اینکه نظامی هستند، نباید در سیاست دخالت نکنند ولی به هر حال آنها هم از اینگونه افکاری که در ما وجود دارد، خالی نیستند.

اگر بنا باشد این حالت در ما باشد، در شرایط حاضر خیانت به انقلاب، تخلف از مرزهای و ضربه زدن به حزب است و بسیار بد می باشد.

در دنیا غرب که احزاب پلیدی هم وجود دارد، بعد از انتخابات پشت صفحه تلویزیون با هم دست میدهند، تبریک می گویند و ظاهراً هر قضیه را حفظ می کنند، البته از پشت چوب لای چرخ می گذارند و روزنامه ها ایشان طرف دیگر را تحت فشار قرار می دهد ولی در هر صورت، ظاهر

را حفظ می کنند. اما وضعیت ما شبیه آنها نیست که هر که حاکم شود بتواند کار را به تنهایی انجام دهد. در همه نقاط کشور که انتخابات انجام شده اقلیت و اکثریت هر دو وجود داشته و کمتر نماینده ای است که با ۹۵ و یا ۹۰ درصد آراء بمجلس آمده و در صد آراء حدوداً "۴۰ یا ۵۰ درصد هست. خوب حالا اگر مخالفین بخواهند به تبلیغات خود ادامه دهند ادامه کار ممکن نیست. لذا در اینگونه موارد تحقیقا "وظیفه حزبی، اسلامی و اطاعت از رهبری این است که دنبال التیام باشیم و مانع از ایجاد جو مسموم شویم.

البته رقابت سالم عیبی ندارد یعنی شما از همین حالا میتوانید زمینه سازی کنید برای اینکه در مرحله بعد هم رای بیاورید و مسئولیتها را بپذیرید چون فکرمی کنید که بهتر می توانید کار را انجام دهید و ایده و فکری که دارید بهتر است، این راه سالمی است و در صورت عدم وجود نزاع، رسیدن به هدف از طریق این رقابت های سالم بلا اشکال است.

۱۷- سئوالات زیادی برای اعضاء مطرح است که مسئولین حزب پاسخ به این سئوالات نمیدهند لطفاً "ماهی یک بار جلساتی برای پاسخ دادن به این سئوالات برگزار نمائید و پاسخها منتشر شود تا به این وسیله از افراط و تفریطها پیشگیری شود.

ج ۱۷- پیشنهاد بسیار خوبی است و با آن کاملاً موافقم و آقای خا منهای هم که دبیرکل حزب هستند و از لحاظ

فکری مورد قبول ما هم هستند و اگر ایشان چیزی بگویند ما هم اطاعت می کنیم لذا آقایان و خانمها بیشتر سعی کنند خدمت آقای خا منهای بروند و از ایشان جواب بگیرند. در صورتی که ایشان نرسند بنده آماده پاسخ گویی به سئوالات شما هستم.

زده اند زیرا این طرز تفکر را به طایفه های دیگری هم منتقل کرده اند.

انگیزه های شخصی نقش مهمی را در فعالیت های انسان بازی می کنند حتی مسئله ای نظیر جاه طلبی در فعالیت های سیاسی عده ای نقش دارد. البته ما جاه طلبی را چیزی محبوبی نمی دانیم و آنرا برای یک سیاستمدار عیب محسوب می کنیم ولی اگر روحیه جاه طلبی در خیلی ها نبود بسیاری از افراد اصلاً "دنبال این کارها نمی رفتند و زحمت نمی کشیدند. اگر از بسیاری دانشمندان انگیزه های شخصی نظیر حس جاه طلبی را بگیرد به انسانهای جامدی مبدل میشوند و دنبال کارهای تحقیقاتی و نوشتن کتاب و مقاله نمی روند.

خداوند انسان را اینگونه خلق کرده و انگیزه های بی از این قبیل در انسان وجود دارد منتهی نباید منجر به تضییع حقوق و پایمال شدن حق دیگران شود و دولت بمنظور از میان بردن تعدی ها بایدن نقش کنترل کننده خود را اعمال کند.

من روی انگیزه های شخصی و حضور بخش خصوصی بعنوان اهرمی برای کارهای اقتصادی سخت تکیه دارم و آزادی را نیز بدین صورت قابل تأمین می دانم.

س ۱۹- خطبه نماز جمعه جناب عالی به نظر بعضی افراد بی بیانات حضرت امام و آقای خامنه ای و آقای منتظری در چند مورد مغایرت داشت یکی اینکه آن آقایان برنامه ریزی جدیدی را برای اقتصاد پیشنهاد می کردند و

* سئوالات اقتصادی :

س ۱۸- جناب عالی هم در درسهای مواضع وهم در خطبه های نماز جمعه بر روی " فعالیت بخش خصوصی " و اهمیت و اثر انگیزه های شخصی افراد در تولید و توزیع بخشهای زیادی داشته اید لطفاً اشاره ای به آنها بفرمائید که معلوم شود " فعال شدن بخش خصوصی " سخن جدیدی نیست.

ج ۱۸- من همچنان روی مسائلی که در مورد بخش خصوصی گفته ام پایبند هستم و فکرمی کنم اگر بتوانم بخش خصوصی را برای کارهای اساسی کشورمان بی تفاوت کنیم خسارت بسیار عمده ای می بینیم و عقیده جدی روی این مسئله دارم و معتقدم کشورهای سوسیالیستی از این ناحیه ضربه های بسیاری خورده اند و بدینگونه

جناب عالی فرمودید این همان حرکت قبلی است البته در جملات دیگری اشاره به نظر شورای نگهبان و پایگاه قانونی آن فرمودید اگر لازم است توضیحی بفرمائید.

ج ۱۹- با بیانات دیروز امام (عید غدیر) فکرمی کنم دیگر این سؤال حل شده است، آن خطبه به عنوان یک وظیفه بسیار جدی بودومی دانستم که پس از ایراد کردن آن، جریانات سرمایه داری هیا هوراها نداخته و بهره گیری می کنند ولی تشخیص دادم که کارلازمی است لذا بحث خطبه ها که در اصل چیز دیگری بود عوض کردم تا این مسئله مورد بحث قرار گرفته و درجا مع جا افتد.

من نظرات امام را به خوبی می دانستم و برای روشن بودن بود. چند مسئله را باید از یکدیگر جدا کرد اول *فیما ل شدن بخش خصوصی* که از عقاید قبلی من است [در نماز جمعه ها، درس ها و... گفته بودم] البته اینکه در بیانات امام روی این مسئله تاکید شده بود تا بطلان به این صورت نفرموده بودند و بلا توجه به این فرمایشات نباید مثل گذشته حرکت شود و این مسائل باید مقدار زیادی بیافزود و حدی ترسای آن بر خور دشواری است یک روند سریعتری بگیرد و به همین دلیل نخست وزیر خیلی سریع بخشنامه های صوابی در دو هما نروز بنده لغو طرح برنج را [که در جلسات خصوصی از مصادیق این موضوع تشخیص داده شده و عملی تر بود] بعنوان اولین طرح اعلام کردم. اما چیزهای دیگری درجا مع پیش آمد که لازم دیدم آن خطبه را ایراد کنم.

یکی اینکه عده ای فرصت طلب با مستمسک قرار دادن این مسئله سعی کردند دولت را بکوبند و از صحبت های امام اینطور نتیجه گیری کردند که دولت در گذشته شرعی عمل نمی کرده حتی طبق گزارشات در بعضی از حوزه ها و دیگر جلسات، بعضی از دوستان حزبی این مسئله را مطرح کردند و شنیدیم که در بعضی محافل روحانیون نیز این مسئله مطرح گشته است و سئوالاتی از این قبیل که آیا دولت خطا نکرده؟ و یا کارهایش نامشروع نبوده؟ کسه حرفهای ریشه دار و سئوالات معنی داری بود بعضی اصناف هم اعلامیه هایی به اسم حمایت دادند و با ذکر این که اگر از این به بعد شرعی عمل شود ما چه می کنیم.

بطور کلی از این مسئله برای کوبیدن دولت استفاده می شد و به اسم امام از طرف امام تخلف کرده و بدترین ظلم را به دولت روا داشتند در حالی که چند هفته قبل از این وقایع، امام طی پیامی که به مجلس دادند صریحا " این مسئله را قیید کردند که هر کس کارهای دولت را خلاف شرع بداند یا ضد انقلاب است یا ناگوار، نکته دوم که از آن هم بدتر بود این که چپیی ها هم از فرصت استفاده کرده و گفتند دیدید که اینها رژیمشان غربی و امریکایی بود و طرفدار سرمایه دار هستند و همه حرفهای گذشته خود را پس گرفتند، فردا هم بقیه قانون اساسی را پس می گیرند.

این دو نکته درجا مع به نحو خطرناکی مطرح شده بود و رادیوهای غربی هم به آن دامن می زدند. و ضد انقلاب

هم از داخل فعال شده بود. خوب ما برای گرفتن مطالب کانالهای مختلف داریم و مسائل از طرق مختلف به ما میرسد در سطحی که میفهمیم که حالانیض جا معه چه جوری است لذا برای من روشن بود. در آن خطبه تکیه من روی این مسئله بود که اولاً اینطور نیست که دولت در گذشته خلاف، عمل میکرد و بخش خصوصی تا این مقدار فعال بوده و همانجا هم گفتم سیاست دولت این بوده که بعضی از وزراء و کارکنان حاضر نبودند این سیاست را اجرا میکنند و گره میزدند. با بیانات امام آن گرهها باز میشود.

ثانیاً "خط انقلاب هیچ عوض نشده و حالاً هم میگوئیم معنی "بخش خصوصی فعال" شود "این نیست که ما سرمایه دارهای گردن کلفت یا زال و صفت را بر مردم مسلط کنیم حال است که تا این ما مزنده باشند یا نه بعد از مذاکلات و سرمایه های کشور را ختیباً یک عده معین مال اندوز باشد.

نمونه اش همین ارز است آیا میشود که ما ارز کشور را که مثلاً "یک دلار در برابر چهار پنجاه تومان قدرت خرید دارد دهشت تومان به یک تا جریدهیم و بگوییم هر چه خواستی بخر و بفروش؟ الان چنین کاری غیر ممکن است. وقتی این کار میشد که متقاضی ارز کمتر از مقدار ارز بود و دائماً "نفت را میفروختند و ارز را به هر کس که میخواست میدادند و در همه جای دنیا قیمت ارزی کمی بود.

بنده یقین داشتم که نظراً ما این است و ما مراضی اند چون قبل از خطبه به امام پیغام دادم که من میخواهم امروز این صحبتها را بکنم و جهت حرف من این است (دفاع از دولت و دفاع از خط) که اگر ایشان مطلبی دارند به من بگویند و چیزی نفرمودند بعد از اینکه من صحبت کردم همان شب که امام خطبه را گوش داده بودند به حاج احمد آقا گفته بودند که حرف فلانی درست بود و حرف همین است. در عین حال بعضی آقایان دست برداشتند و گفتند که تا بحال دولت را می گفتیم حال فلانی را هم اضافه کنیم این خبرها بگوش امام میرسد زیرا امام کانالهای گوناگونی دارند یک عده اعلامیه های بازاری را میبرند. یک عده اعلامیه های دانشگاهیها را میبرند. یک عده اعلامیه جا معه مدرسین و طلبه ها را میبرند یک عده هم حرفهای کارگزاران را میبرند همه اینها به امام میرسد و امام خودش آن را دیدن اینها به این جمع بندی رسیده بودند. ما واقعاً "انتظار نداشتیم که امام الان چیزی بگویند و فکر میکردیم که این مسئله باید در جامعه بحث شود تا به یک نقطه خوبی برسد. امام دیده بود که این شیطنتها در داد و زحدم معمولی میگذرد و دیگر به جان آرگانها و دولت افتاده اند، و ایشان لازم دیدند که آنطور بفرمایند.

پس اینکه در سؤال آمده بود مستیح نبود بلکه من برنامهریزی جدید را قبول دارم و مطمئن هستم که با یک حرکت جدیدی برای حضور بیشتر بخش خصوصی بشود

منتهی نه برای گردن کلفت ها. مثلاً الان در مجلس بحث تعاونی ها مطرح است بعضی بیخود این تعاونی ها را هو کردند و خیال کردند که این تعاونی ها چیز دولتی است و میخواهد بخش خصوصی را خلع سلاح کند. در صورتیکه اگر تعاونیها درست تنظیم شود می توانند همبستن مردم بزاز، بقال و کشاورز و دیگران تعاونی تشکیل داده و امکانات دولتی در اختیار آنها قرار گیرد مثلاً اگر بناست آهن وارد بشود همه آهن فروشها بتوانند تعاونی تشکیل بدهند و ارز برای واردات به همه داده شود و یا اگر میخواهد فلان چیز صادر شود تعاونی بتواند اقل بعنوان رقیب سرمایه دار عمل کرده و صادر کنند چون کسبه جز نمی توانند مثل آن سرمایه دار ۱۰ میلیون تومان فرش صادر کنند ما اگر چند نفر یک تعاونی تشکیل دهند دولت به اینها اعتبار داده و قانون از اینها حمایت می کند. اگر بناست در نظام مابخش خصوصی فعال شود بخش خصوصی فقط یک عده معینی نیستند. من حرف امام را میزنم نه حرف خودم را امام در همان دیدار اول فرموده بودند که شما دولت محرومین هستید. برای مستضعفین کار کردن این نیست که به آنها زکات بدهیم مستضعف باید بتواند خوب کاسبی کند خوب تجارت کند، خوب تولید کند و یا در تولید شریک شود پس گفته نشود که من مخالف حرکت جدیدی هستم (۱) در عین حال ممکن است که بعضی کلمات در خطبه من بگونه ای مطرح شده که افرادی این نتیجه را

گرفته اند ولی روح مطلب روشن است. در خطبه از نظر شورای نگهبان محکم دفاع کرده و پایداری قانونی اش را گفتم که حق دارند نظر بدهد و طرفدار مستکبرین نیست منتهی دارای برداشت و سلیقه خود میباید.

راجع به اصلاح هم که سؤال می کنید باز تاکید می کنم که اسلام بسیار طرفدار نظام است بیخود بعضی افراد برداشت ناجوری از صحبت من کردند. من گفتم علماء یک جوری عمل میکنند که گویا همه با پدرشان را بتراشند که اگر میخواستیم مثل علمای مان باشیم اصلاً یکی از این سرهای شما درست نبود و با ید همه سرها تان را می تراشیدید و یک قبضه ریش می داشتید ما این سنت نیست در عین اینکه هر کس حق دارد سر خود را بتراشد و اصلاً سالی یکی دو بار تراشیدن خوب است (برای هوا خوردن و تمیز تر شدن) پیغمبر هم این کار را میکرده است (اما نه همیشه).

س ۲۰- جناب عالی در خطبه فرمودید در زمان آقای عسکراولادی

پاورقی از صفحه قبل

(۱)- من طرفدار تحول هستم و اعلام لغو طرح برنج بیشتر روی فشار من بود. حتی از روز اول با طرح برنج مخالف بودم منتهی وقتی رای من قبول نشده هیچ وقت مخالفت خودم را در جلسات عمومی ابراز نکردم و چون تصمیم دولت قانونی بود حمایت میکردم حتی وقتی آمدند و گفتند مردم به قول شما اعتماد می کنند گفتیم ما هم حمایت می کنیم اما وقتی دیده شد اینطور عملی نیست دولت هم قبول کرد و لغو شد.

لایحه‌ای به مجلس داده شد. بعضی برادران میگویند این لایحه در زمان آقای کاظم پوراردبیلی بوده است لطفاً توضیح دهید.

ج ۲۰- همینطور است: حرف همان آقایان صحیح است من در ذهنم بود که در زمان آقای عسکراولادی آوردند. یکی از دوستان نامه‌ای به من نوشتند که هر چند خود مراجعه نکردم ولی به حرف ایشان اعتماد کردم که در زمان آقای کاظم پور بوده و آقای اسلامی به مجلس آورده اند (شهید اسلامی بعنوان معاون پارلمانی ایشان) این اشتباه مربوط به تاریخ واقع است.

س ۲۱- آیا نظرات حضرت امام در مرام اقتصاد که در هفته دولت بیان فرمودند یک حکم دائمی، یک فتوا و یک نظر اسلامی است یا بر اساس مصلحت و بعنوان ضرورت برای یک مدت موقت این سخن گفته شده و وقتی ضرورت از بین رفت بحکم اصلی باز خواهیم گشت.

ج ۲۱- حکم اسلامی اینجانه این است که بدهید به بخش خصوصی و نه این است که ندهید به بخش خصوصی بلکه به مصلحت جامعه عمل می شود ما در کلیات، اینکه مثلاً شورای نگهبان میگوید انحصار دولت نباشد این نظر شرعی میشود.

فتوای امام نه اینطرف و نه آنطرف است مثلاً کسی که جنسی را صادر می کند و در مقابل ارزی گیرد، از مال خودش است مگر اینکه ضرورت اقتضا کند و دولت از او بگیرد (و در مقابلش پول بدهد).

البته اگر دولت صادر کند طبق فتوای امام (که به جناب آقای نوربخش فرمودند) آن ارز مال دولت

است ولی دادن ارز به مردم جهت تجارت بستگی به مصلحت جامعه دارد.

نظره قانون اساسی: اصل ۴۴ قانون اساسی می گوید بازرگانی خارجی باید در اختیار دولت باشد و شورای نگهبان با استفاده از اصل ۴۳ می گوید: انحصاراً "نباید در اختیار دولت باشد.

س ۲۲- در مورد اینکه $\frac{1}{5}$ واردات توسط بخش خصوصی انجام میشود بعضی برادران میگویند کالاهای نیکه به بخش خصوصی واگذار شده که وارد کنند تعهد گرفته اند که ۱۰۰٪ توزیع آن بوسیله دولت باشد و فقط کالاهای که در بازار زیاد است توزیع آن در اختیار بخش خصوصی است که آنهم مشتری ندارد.

ج ۲۲- من از ریز این مسئله خبر ندارم. در زمان شورای انقلاب قانونی وجود داشت که وقتی بخش خصوصی کالایی را وارد می کند درصدی از کالای دولت و بقیه را تا جز توزیع کند و اگر تا یک مدتی (مثلاً تا بیست و پنج روز) دولت آن کالای توزیع نکند بخش خصوصی آنرا توزیع کند.

بعد مشکلاتی پیش آمد که طور دیگری عمل می کنند که من از آن خبر ندارم.

کالاهای استراتژیک مانند برنج، گندم، چای، پنبه و چیزهایی که احتمالاً مشکلی در جنگ ایجاد میکنند معمولاً "صداصد بدست دولت است. اخیراً در معنای "استراتژیک" یک مقدار بحث شده و موارد آن فرقی کرده

است، بعضی ها طرفدار این هستند که مثلاً " آهن و فلزات و امثال اینها را دیگر کالاهای استراتژیکی بحساب نیاوریم و بخش خصوصی بپخش کنند، این مسائل با یدبنا نظرات کارشناسان و با توجه به مصالح جامعه و مسئله جنگ و اینکه باید حداقلی بدست مردم برسد و هم چنین در موقع جنگ با زارسیا هی بوجود نیاید حل گردد.

س ۲۳- آیا جناب عالی اطلاع دارید که از مجموع هفده هزار موافقت اصولی چند درصد آن مراحل بعد از موافقت را توانسته طی کند و چند درصد با مشکلات و موانع بین راه متوقف شده است.

ج ۲۳- بله اطلاع دارم، آمار دقیقی به من داده اند که میخواستیم آنرا برایتان بخوانم که الان فرصتی نیست و خودتان می توانید آنرا بخوانید، شاید هم از طریق صدا و سیما آنرا پخش کنند. از هفده هزار موافقت اصولی چهارده هزار آن را تقریباً " وزارت صنایع داده، سه هزار آن را وزارت صنایع سنگین داده است و آنطوریکه بیاد دارم معدل ارزش هر یک از اینها در حدود دو میلیون و چهارصد هزار ریال است.

در آماري که به من داده اند در ستونهای مختلف نوشته اند که چه مقدار به تاسیس رسیده و چه مقدار به بهره گیری رسیده و مقداری نیز هنوز در مرحله اول است که مراحلش را تعیین کرده اند و مبلغ هر یک از اینها را مشخص کرده اند.

اشتغال زایی آن نیز تعیین شده است که هر کدام چه

مقدار شغل جدید بوجود می آورد.

همه جزئیات آنرا که تعیین کرده اند از زمان شاه بیشتر است یعنی هم بهره برداریش، هم تاسیسش، هم موافقت اصولیش نسبت به سالهای اوج گیری بخش خصوصی در زمان شاه یعنی در سال ۴۵ بیشتر است و رقم هیچ یک از آنها پائین تر نیست.

موافقتهای اصولی در سال ۵۶ حدود پانصد و خورده ای بوده است، در سال ۵۵ حدود شصت و خورده ای بوده است ولی در سال ۶۲ از پنچ هزار هم بالاتر رفته که بعضی های آن کوچک و بعضی ها بزرگ است و انواع واقسام دارد که آمار آنرا می توانید بگیرید.

به هر حال در مجموع، آمار نشان میدهد که بخش خصوصی با آن مقداری که اجازه داده اند در تولید اکنون به میدان می آید البته یک تنگنایی وجود دارد که نمی خواستم آنرا در نماز جمع بگویم و اینجا میگویم، ما وقتی موافقت اصولی می کنیم و میخواهیم اجازه دهیم که ماشینها را وارد کنند. مشکلات ارزی داریم زیرا در این رابطه کمیته ای تشکیل شده است که مشخص کند چه مقدار را زمریوط به جنگ، چه مقدار مربوط به کارخانجات چه مقدار ماشین آلات چه مقدار رگندم و..... اینطور نیست که دست ما با زبانه هر کسی هر ماشینی که خواست برای کارخانه ای که موافقت گرفته وارد کند. این مشکل جنگ است، این مشکل محدودیت ارزی است که ما داریم ولی در مجموع همه این چیزهایی که

عرض کردم نسبت به زمان شاه بیشتر است .

س ۲۴- در مورد صادرات با توجه به مشکلات و نبودن بازار برای کالاهای ایرانی در خارج آیا گمان میکنید بخش خصوصی که کل صادرات بعهدہ است زمینهای برای گسترش کار دارد و آیا کمیت کنونی آن به نفع عالی گزارش شده است .

ج ۲۴- بله گزارشهایی همه ماهه به ما میدهند (از طریق بانک مرکزی و چند طریق دیگر) که صادرات را به تفکیک مشخص کرده است .

مثلاً "از هر کالایی چه مقدار صادر شده و ارزش آنها چقدر بوده است .

واقعا " دولت میخواهد در صادرات نهایت حمایت را بکند که البته مشکلاتی وجود دارد و نباید مشکلات واقعی را بحساب دولت گذاشت .

خوب شما میدانید شرایط مملکت ما آن طوری است که ما کم کم داریم مرزهایمان را می بندیم در صورتیکه آن موقع احتیاجی نبود که ببندند زیرا الان قالی که به آن طرف میرود بخاطر بدست آوردن دلار، ارزان فروخته میشود و بازار آنرا (قاچاقچیان) خراب می کنند و دولت نمی خواهد به این صورت بشود .

مثلاً " پسته، دولت در این مورد کار بسیار خوبی را برای تعاونیهای مرزی انجام داد (برای اینکه در مرز کار ایجاد شود تعاونیهای مرزی تشکیل شده هر چه سریعتر کالا صادر کنند و در مقابلش جنس بیاورند) پسته ای که ما کیلوئی

شمت یا شفت و پنبه تومان می فروختیم به کیلوئی صد و بیست تومان رسید .

اما تعاونیهای مرزی پسته را می خریدند و آنرا به آن طرف آب می بردند و خیلی ارزان مثلاً " کیلوئی چهل تومان می فروختند و بازاری پسته را خراب میکردند در صورتیکه قصد دولت صدور جنس و ایجاد کار برای مرز نشینان بود ولی در مسیر کار جنین آدم هایی هم پیدا می شوند . مثلاً " تعاونی دربندر عباس است و لسی سرمایه دارش اینجا است . بخش خصوصی این اشکالات را دارد و هر راهی که برایش بازمی کنند یک عده آدمهای سود طلب و انحصار طلب پیدا می شوند که این مشکلات را ایجاد می کنند .

مثلاً " دولت جهت جذب ارز به کارگران اجازه داد از خلیج فارس صدهزار تومان کالا بیاورند اما جوری شد که این برگ سبزی که به آنها میدادند در شمیران دردست قاچاقچی ها دیده میشد و در بازار، این برگ سبزی مثل سبزی هر قیمتی به فروش میرسید لذا دولت مجبور شد آنرا به پنج شش نوع کالاهای اصولی محدود کنند که دیگر هر چیزی به بازار نیاید و همین محدودیت، مشکلاتی بوجود آورد .

خلاصه مشکلات فراوان است ولی دولت مایل است صادرات را تقویت و تشویق کند . هماکنون طوریکه میدانید قیمت ترجیحی بر روی کالای صادراتی گذاشته اند و به آنها تیکه کالایا درمی کنند اجازه ورود جنس به

اندازه صادر ایشان دادند که در آمد داشته باشند .

در عین حال بعضی نقائص هم ممکن است وجود داشته باشد ولی نه اینکه سیاست دولت باشد .

س ۲۵- آیا در حال حاضر اختیار اقتصاد را به بخش خصوصی دادن با توجه به نداشتن یک نظام مشخص و نبودن یک سیستم مطمئن کنترل و نظارت ، مشکلاتی بوجود نخواهد آورد؟ چه راه حلی را پیشنهاد میفرمائید .

ج ۲۵- اینطور نیست کسی پیشنهاد کند که اقتصاد را به دست بخش خصوصی بدهید . امام هم تاکید فرمودند که دولت نظارت و کنترل کند . مضافاً اینکه بعضی چیزها را نباید به بخش خصوصی داد مثلاً " بانکها الان ملی و در دست دولت است ، ارز در دست دولت است ، اجازه تاسیس کارخانه ها در دست دولت است و چیزهایی که قانون اساسی صریح میگوید مانند صنایع سنگین ، صنایع مادر ، راه آهن کشتیرانی ، هواپیمائی را نمی توان به بخش خصوصی واگذار کرد فعلاً " شورای نگهبان فقط در بخش تجارت خارجی ، مسأله انحصار را مطرح کرده است و در موارد دیگر هنوز مطرح نکرده است .

پس اقتصاد در سطح کلی در دست بخش خصوصی نخواهد آمد ولی موارد فراوانی از تولید و توزیع داخلی و چیزهای دیگر وجود دارد که کاملاً راه باز است اما دولت نظارت میکند .

هرچند که سئوالات دیگری آمده است ولی با توجه به اینکه وقت گذشته است نمی توانیم جواب دهیم شما را به خدا می سپارم . انشاء الله که موفق و منصور باشید .

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

سؤالات دبیران و فاعل حزب جمهوری اسلامی سرسره کشور و پاسخ های حجة الاسلام والمسلمین سید علی خانزاده
 نوین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

* بسم الله الرحمن الرحيم *

خیلی خوشحالیم از اینکه شما برادران ، دبیران حزب جمهوری اسلامی سرسره کشور را که زحمت کشیدید و راه دور را طی کردید و به اینجا تشریف آوردید زیارت می کنیم .
 حقیقت این است که ما قدر شما را خوب می دانیم .

برادران مسئول ما از سراسر کشور که مسئولین دفاتر حزب هستند همه جا بایک مشکلاتی مواجه هستند. از طرفی احساس وظیفه میکنم و فکر میکنیم که باید دید در جوان شهر در هدایت اذهان و حرکات مردم بسمت آرمانهای انقلاب و در حقیقت خط امام و خط راستین انقلاب در آن محیط موثر باشند و لذا تلاش می کنند و از طرفی هم با توصیه موکدی که همیشه ما کردیم که در کار مسئولین دولتی دخالت نکنید و انتقاد نکنید، به آنها کمک کنید، جانب ائمه محترم جمع را رعایت کنید، در حزب نگذارید قدرت طلبی بشود، نگذارید حزب نردبان ترقی هوس رانان و مقام طلبان باشد، این توصیه های موکدی که ما داشتیم یک مراقبت ویژه ای برای خودتان قائل شوید و سعی و تلاش کنید، طوری نباشد که به معنی فرصت طلبی و دست اندازی در کار مسئولین و ارگانهای اجرائی کشور تلقی شود. لذا کار برادرهای ما در سراسر کشور راستی یک کار مشکلی است، یک جهاد است و بدخواهان هم که همه جا هستند آنهائی که از آغاز پیدایش حزب در روئیدن این جوانه، این نهاد، بایک انسجام اسلامی و بایک تشکیلات اسلامی مثل پدر کشته ها برخورد میکردند همه از بین نرفته اند هرناسانی هر جایی که باشد، در هر شهری، در مرکز استان سعی میکنند حزب را به یک نحوی مسئول قلمداد کنند.

خوب این برادر ما که دارد دفتر حزب در آن شهر را اداره میکند به مردم چه بگوید؟ بگوید تقصیر چه کسی است؟ از کدام ارگان سؤال کند که مسئول نباشد؟ کدام ارگان را مسئول کند که تضعیف نباشد؟ چطور از کنار قضیه بگذرد که بی تفاوتی بحساب نیاید؟ چه بگوید که براستی برای مردم روشن گروهدایت گستر

باشد؟ میبینید که کار خیلی ظریف و حساس است. من امیدوارم که همه شما برادرها ظرافت کار را درک میکنید و به لوازم مورد ملتزم هستید و اگر کم دقتی در این قضیه هست دقت بشود. البته در خط کلی حزب هم یک چنین مشکلی وجود دارد. یعنی الان در سطح کشور هر مشکلی یک جا پیدا بشود حنجره های وجود دارد که ما میل است حزب را مقصر قلمداد میکنند در حالی که حقیقت این است که حزب در مسائل اجرائی کشور بعنوان حزب، هیچ دخالتی ندارد. یعنی در انتخاب مسئولان، در انتخاب وزراء، انتخاب بقیه مسئولین که در سطوح مختلف هستند هیچ دخالتی نمی کنند. این جور نیست که من بعنوان رئیس جمهور و برادر عزیزمان آقای مهندس موسوی بعنوان نخست وزیر از حزب بپرسیم که ما چه کسی را برای وزارت انتخاب کنیم. نه این توافق من و آقای نخست وزیر است. ممکن است با برادران حزب مشورت بکنیم اما این شورای مرکزی نیست که به ما دستور میدهد که فلانی را بگذارید. در عین حال هر کس با هر وزیری مخالف باشد، میگوید ببینید حزب چه کسی را سرکار گذاشته است. یعنی خطوط مختلفی هستند، هر خطی ممکن است بایک کسی و هر سلیقه ای بایک آدمی هر ذی نفسی بایک جریان مخالف باشد مشکل را پای خانه حزب می خوابانند. مانند آن مثلی که می گوید: "گرگ دهن آلوده و یوسف ندیده" هر چند که در این زمینه مصراع جالبی نیست ولی در مثل مناقشه نیست. این یک مشکلی است که ظرافت موضع حزب را بیان میکند. خوب نتیجه چه شد؟ نتیجه این است که مسأله از مسئولیت حزبی خودشان خالی کنیم؟ یا بگوئیم حال لاکه سخت

است نمی توانیم؟ یا عصبانی و برآشفته شویم و اظهار مخالفت بکنیم و اینکه چرا حرف ما گوش داده نمی شود یعنی ما حزب، اعتراض بکنیم؟ ابداً اینطور نیست "انالم نخرج اشراً ولا بطراً ولا ظالماً ولا مفسداً".

ما از اول که این حزب را تاسیس کردیم برای هدایت شروع کردیم و برای کار روی اذهان مردم آغاز نمودیم و برای دستگیری از کسانی که محتاج هستند آغاز کردیم که با زهم همان کار خواهیم کرد. مشکلات را قبول می کنیم و شما برادران حزبی در شهرستانها توجه داشته باشید که یک چنین مسئولیت حساسی دارید.

ما به واقع قدر شما برادران عزیز را می دانیم و مشکلات شما را هم درک می کنیم و میدانیم که واقعا "مجا هدت می کنید و لوا زیکا یک کارهای شما خبردار نباشیم، اولاً خبرها و مشکلات استانها پیش ما می آید و از آن مطلع می شویم، بعلاوه از نزدیک نیز مسائل را می دانیم.

در مورد پاسخ به سئوالات نیز کار بسیار خوبی است و من تقریباً هر هفته با برادران حزبی ملاقات دارم و با برادران حرف زیاد میزنیم و مطالب را در میان میگذاریم ما لزوماً همه آنچه که گفته میشود پاسخ به سئوالات نیست و این شیوه خوبی است که در پارهای از موارد مخصوصاً با دبیران این سؤال و جواب انجام شود و همین کار هفته قبل با برادر عزیز و ارجمندمان آقای هاشمی شده بود و آنطوری که من شنیدم خیلی هم اثر خوبی داشته یعنی پاسخ هائی که اینجا منتشر شده بود افرادی که خوانده بودند غالباً ابهامهای ذهنی برطرف شده بود و توانسته بودند یک خط و راه روشنی را بفهمند این خیلی کمک میکند.

* نقش حزب در جلوگیری از انحرافات

س ۱: نقش حزب در جلوگیری از انحرافات که بر اثر عدم تشکیلات در نهضت مشروطه پیش آمد چیست؟

ج ۱: این از جمله سئوالاتی است که پاسخش با خودش است یعنی در جریان مشروطیت یک تحزب اسلامی که نیروها را منسجم کند و اینکه با هم خط و ربط بدهد وجود نداشت و از این ناحیه هم مثل چند ناحیه دیگر ضرباتی ما خوردیم. مخصوص مشروطیت هم نیست، در آغاز پیروزی انقلاب هم ما همین ضربه را خوردیم. اگر ما پیش از پیروزی انقلاب یک تشکیلات اسلامی داشتیم و یک تشکل و انسجام به معنای واقعی کلمه بین ما وجود داشت و برنا مهربانی میبود و عناصر صالح برای تصدی مسئولیتهای مهم اجتماعی از پیش تعیین میشدند مطمئناً دوران فترتی که در آغاز انقلاب پیش آمد و در حقیقت بهترین فصلهای بعد از پیروزی انقلاب را از دست انقلاب گرفت، این فترت را دیگر نمیدیدیم. این خاطره را برای شما نقل کنم که در روزهای تشریف فرمائی ما و مساله "مطرح شدن دولت موقت" ما از مدتی پیش جلساتی را برای تشکیل حزب داشتیم. مرحوم شهید بهشتی شهید باهنر، من و آقای هاشمی و بعضی از برادران دیگر که مینشستیم و مساله را پیگیری میکردیم. منتهی هنگامی که ما آمدند و کارهای مملکت ناگهان متوجه ایشان شد طبعاً گرفتاریهای ما هم بیشتر شد و کمتر در آن چند روز به

مسأله حزب رسیدیم. در همان اوقات که ما میخواهستیم امام نسبت به حزب اظهار نظری نکنند و نظر خودشان را به ما بگویند تا ما بابت ادلی گرم و اردکا رشویم، آقای هاشمی ملاقاتی با ما نکردند و یک جمله خوبی را آقای هاشمی به امام گفته بودند. و آن این بود که "اگر ما حزب داشتیم محتاج این نبودیم که برای تشکیل اولین دولت انقلاب از کسانی استفاده کنیم که بعضی از آنها نسبت به انقلاب اصلاً را بطنه صمیمانه نداشتند".

در روزهای اول دولت موقت واقعا کسانی بودند که با انقلاب اسلامی، مسأله فقهت و رهبری امام هیچ سابقه‌ای نداشتند و هیچ تمایلی هم نداشتند و اینها به این علت بودند که ما تشکل نداشتیم و ما اولین ضربه عدم تشکل را در حقیقت در اول انقلاب خوردیم. این مضمون صحبت‌های آقای هاشمی با امام بود و امام هم، این را تصدیق کردند و همین موجب شد که ما با تأیید قوی امام حزب را شروع کردیم البته میشود پرسید که حزب جمهوری اسلامی تا چه اندازه توانسته این خلا را پر کند؟ من نمیخواهم مبالغه کنم و بگویم که حزب جمهوری اسلامی صد درصد آنچنانکه انتظار از یک حزب اسلامی هست عمل کرده و موفق شده است. این ادعای بزرگی است و شاید انتظار یک چنین عملکردی هم از حزب با آن همه مشکلات و با عدم تجربه‌ای که ما داشتیم کمی زیادی باشد، اما میتوانیم بگویم که حزب از اول انقلاب توانست قویترین جریان اجتماعی و سیاسی حاضر در صحنه را ارائه کند.

اگر حزب نبود و نظراتی که بوسیله مسئولین حزب به

مردم داده میشد و وجود نمیداشت مطمئن باشید محوری برای تحسین خط امام در دورانی که صد در صد کوشش میشد خط امام کوبیده شود و وجود نمیداشت را همیشه‌ای حزب، تجمع‌های حزب، سخنرانی‌های مسئولین حزب، بیانیه‌های حزب، روزنامه حزب، همه و همه عواملی بودند که یک خط روشن و یک فلسف مشخص را ابلاغی گوناگون بازیکران سیاسی ترسیم میکردند. آن روزی که از یک طرف منافقین و از طرف دیگر کمونیستها و حزبهای سابقه‌داری مثل حزب توده و لیبرال‌ها و ملی‌گراها و سلطنت‌طلبها هر کدام از طرفی مشغول ضربه زدن به خط امام بودند اگر آن روز حزب جمهوری اسلامی نمیبود مطمئناً ما خسارتهای بزرگی را میدیدیم. تا همین اواخر نیز همینگونه بود حتی اکنون نیز چنین است.

با اینکه شما می بینید شعارهای مشخص و روشنی که آن روز میتوانست از طرف حزب مطرح شود حالا وجود ندارد. آن روز ما در مقابل لیبرال‌ها، ملی‌گراها، کمونیست‌ها و ملحد‌ها و ضد انقلاب‌ها شعارهای واضحی داشتیم و امروز آن شعارهای صریح و واضح بخاطر موقعیت و وضعیت که انقلاب داردنست و دیگر آن موضعگیری در مقابل انقلاب بی‌سبب صورت صریح از سوی دشمن وجود ندارد که بتوان یک موضعگیری صریح و قاطع و همه‌کس فهم‌داشت و با اینکه آن کسانیکه آن روزها با حزب مخالف بودند امروز هم در زیر چترهای مختلف مخالفت خودشان را با حزب ادا می‌دهند و انواع و اقسام تضعیف‌ها و بهانه‌گیری‌ها علیه

حزب میشود .

آن چیزی که بعنوان نظر حزب مطرح میشود همان چیزی است که مورد توجه اکثریت مردم قرار میگیرد و مردم به آن به چشم حسن ظن نگاه میکنند و آنرا میپذیرند .

البته عقیده ما برای اینست که اگر بخوایم خلاصه یک تشکیلات حقیقی و کاملاً منسجم را که بتواند در کل انقلاب خط دهندگی داشته باشد پیرنماییم با ید تلاش بیشتری بنماییم و این از حرفهای است که در پاسخ به سئوالات ممکن است مطرح شود و من خواهم گفت .

ما ضعفها، نقصها، نرسیدنها، زیادد در حزب داشته ایم که شاید هیچ کدام از اینها یک مقصر خاصی نداشته باشد ولی واقعیتی است که وجود داشته است که اگر ما اینها را بر طرف نماییم یقیناً "حزب بیشتر خواهد توانست به وظایف تاریخی خود برسد .

س ۲ : عملکرد حزب پس از کنگره چگونه بوده است ؟

ج ۲ : البته اگر من فکر میکردم که به این سئوال پاسخ خواهم گفت آمارهای را از کارهای انجام شده بعد از کنگره تا بحال تهیه نکردم که روشن تر مطلب بیان شود .

اولاً "من به شما بگویم ما فصل عمده ای از فاصله بعد از کنگره را به انتخابات گذرانده ایم یعنی این دوره تصمیم گرفتیم در مسأله انتخابات تلاش واقعی بکنیم و سعی کردیم در تمام شهرستانها و حوزه های انتخابیه ، فعال برای شناسائی وارد شویم و هدف نیز این بود که افرادی را که هم از معیارهای لازم برخوردارند و هم از نظر

مردم قابل قبولند پیدا کنیم و همه نیروی حزب را صرف کنیم تا اینها به مجلس راه پیدا کنند و این یک کار قابل قبول بود . زیرا ممکن بود در شهرستانها افرادی پیدا شوند که صلاحیت را احاطه کنند و از رابطه ها و باندازی ها و عوام فریبیها استفا ده کنند و بخوانند به مجلس راه پیدا کنند و نظریک عده از مردم را بسوی خود جذب کنند و ما از این کار پیشگیری کردیم . و معیارهای ما در انتخاب افراد ، ایمان و تقوی و آگاهی سیاسی و پیای بندی بسط امام و نداشتن سابقه سوء و داشتن محبوبیت در میان مردم بود . البته ما بسط صرف این معیارها اکتفا نمی کردیم و از مردم سئوال می کردیم تا ببینیم افرادی که در آن منطقه دارای این معیارها هستند چه کسانی هستند ، و سپس نیروی حزب را برای انتخاب این افراد ما یه میگذاریم .

حالا ببینید این کار پر زحمت و پرمشغله که هفت ماه از ما کار برده است و در این رابطه دفا تر حزب فعال شدند ، شورای مرکزی وقت زیادی صرف کرد و شاید تعجب کنید از اینکه بگویم در طول شاید سه ماه بیشترین وقت شورای مرکزی به مسأله انتخابات گذشت که ما بتوانیم افرادی را که واقعا "مرضی خدا باشند و قابل قبول مردم و مفید

برای انقلاب باشننده مجلس بفرستیم .
بعدا زاین تلاشها ، پدیده های رخ داد که ما احساس کردیم ممکن است دخالت مردم در انقلاب و مسائل انتخابات تحت تاثیر این تلاشها قرار گیرد . ما مدرفرمانی در مورد عدم دخالت هیچ نهادی در شهرهای دیگر دستوراتی فرمودند که ما هم با آن موافق بودیم و حق با ما بود که هر حوزه ای مستقلا عمل کرد و از جای دیگر پیشنها دند و اگر دستورا ما ما در نمیشد ممکن بود مردم در انتخابات خود را صاحب اختیار نند .

البته این مربوط به حزب نبود و کاری که حزب میخواست بکنند یک کار کاملاً مردمی و صد در صد منطبق با خواست مردم بود و جهات دیگری وجود داشت که موجب شد ما دستور بدهند هیچ ارگانی برای حوزه های دیگر کار ندیدم مشخص نکنند و این بود که ما بخشنا مه کردیم و اعلان کردیم که در هیچ یک از شهرستانها و حوزه های انتخابیه دخالت نمیکنیم . مقصود ما اینست که ما فرصت زیادی را به پی ریزی و برنا مریزی کار را انتخابات اختتام دادیم که البته برای ما از لحاظ شناسائی ، آثار مثبتی هم داشت . یعنی ضرری هم در این مورد نکردیم و یک مقدار تلاش حزب را تحت تاثیر و تحت الشعاع خودش قرار داد . ما غیر از آن تلاشهای دیگری هم شد . یکی از کارهای که بنا بود انجام بگیرد و بحمد الله انجام گرفت کار روی مواضع بود . مواضع حزب لازم بود که با نظراتی که در کنگره داده شده تجدید نظر بشود و مورد ملاحظه مجدد قرار بگیرد .

یک هیئتی تعیین شدند برای این کار . این هیئت کار خودشان را شروع کردند و پیگیرا داد ما دادند و بحمد الله تمام شد و آنطور که در این هفته برای آقای هاشمی ظاهرا " در پاسخ به سئوالات گفته بودند که به همین زودی انشاء الله تمام خواهد شد . جمع آوری کارهای کنگره و مذاکرات و بحثها ئی که در کنگره شده بود یکی از کارهای اساسی بود که انجام گرفت فعالیت دیگر اینکه تشکیلات یک تغییر بنیانی کرد . قبلا " تشکیلات صنفی بود . تشکیلات را منطقه ای کردیم و این چیز فوق العاده مهمی بود و مقدماتها ئی در مقابل آن وجود داشت ولی ما مسئله را با جدیت پیگیری کردیم . برای درها تلاش کردند و بحمد الله این کار انجام گرفت . مسئولین واحدهای مختلف انتخاب شدند و کارهایشان را برنا مریزی کردند .

برنا مریزی یکساله حزب مطرح شد و هیئتی معین شد برای اینکه این برنا مریزی را پیگیری کنند . البته هنوز پاسخ و نتایج کارشان را به ما نداده اند اما این کار را دارند انجام میدهند . بهر حال در مجموع ، حرکتی که انجام گرفت حرکات مفید و موثری بود ، اگرچه من احساس میکنم از لحاظ کلی برنا مریزی ما جلونیستیم یک مقداری عقب هستیم . احتمالاً اگر چنانچه مسائل انتخابات نمی بود و وقت گذاری فراوانی که در این مورد شده اگر نمی شدیقیناً " ما فعالیتهای بیشتری انجام میدادیم .

س ۳: عملکرد شورای مرکزی حزب پس از کنگره چه بوده است ؟
 ج ۳: البته وقتی ما عملکرد حزب را مطرح می کنیم در حقیقت عملکردشورا را هم در ضمن این عملکرد بیان میکنیم . آنچه گفته شده به میزان زیادی به شورای مرکزی هم ارتباط دارد . البته شورای مرکزی حقیقت این است که یک شورای بسیار فعال نیست ، علت این است که برادران مسئول در شورای مرکزی غالباً اشتغالهای عمده ای دارند . دیدم که برادر م آقای هاشمی گفته بودند که به حزب کم میرسند ایشان یک مقداری شکسته نفسی کردند ، یعنی ایشان به نسبت مسئولیتهائی که دارند با دیدگفت ایشان با هم به حزب میرسند ، خیلی از برادرهای شورای مرکزی هستند که فقط به شورای مرکزی میرسند یعنی درشورا شرکت میکنند و هیچ گونه فعالیتی در جنبشورا ندارند و اینها یکی از مشکلات ما است ما بخوا طرهمین قضیه بود که امساک زیادی بخرج میدادیم که از برادرهای شورا امسال کسی نماینده نشود . من با چند نفر از برادرهای شورای مرکزی که پیش آنها دمیشدوا صرا می شد که آنها نماینده بشوند مخالفت کردم برای اینکه میدیدیم اینها دارند برای شورا شب و روز خدمت می کنند ، هم برای شورای مرکزی و هم برای مجموع کارهائی که در حزب هست و جزو افراد فعال شورا هستند و مخالفت میکردم که اینها نماینده بشوند ولی خوب آن کسانی که اینها را شایسته میدانستند بالاخره زورشون بر ما چربید و بعضی شان را بردند اگر چه بعضی شان را مانگذاشتیم ببرند .

برادران بعضی ها ازوزرا هستند . چند نفر از نمایندگان مجلس هستند ، بعضی اشتغالات دیگر دارند . در نتیجه شورای مرکزی ۳۰ نفر آدمی را که بطور نیمه وقت لااقل به حزب برسند جمع نمیکند ، اگر چه در شورای مرکزی ما بیشتر از نظرات برادرها میخواهیم مطلع شویم یعنی بیش از آنچه در این شورا بکار جرائی این برادرها طمعی باشد بنظر و فکر ما شب آنها انتظار هست .

لکن اگر در جریان مسائل شورا در طول هفته نباشند و مسائل حزب را در ذهن نداشته باشند طبیعی است که در شورا خیلی فعال نخواهند بود . بنا بر این باید بگویم که عملکردشورا یک عملکرد متوسطی است ایدآل و در حد بالائی نیست و علت آن هم گرفتاریهای فراوانی است که برادران شورا دارند که با یدفکری برای این بکنیم . امیدواریم که بتوانیم برادران را وادار بکنیم و از آنها بیشتر کار بخواهیم .

س ۴: شورای دآوری و شورای فقها چه عملکردی داشتند ؟
 ج ۴: شورای فقها هنوز تشکیل نشده است . البته چهار نفر از اعضای این شورا انتخاب شده و نفر پنجم را در فکر هستیم که پیدا کنیم . به این برادران گفتیم که جلسات را تشکیل بدهند و لوا اینکه نفر پنجم نباشد . البته خودم دا و طلب نشدم و قبول نکردم که عضو شورا باشم و اینهم بخاطر گرفتاریهای دیگری است که در حزب دارم ما بعضی از برادرهای دیگر هستند .

یک احساس نیاز و ضرورت مبرمی شاید به این شورانمیشده بخاطر اینکه اعضاء شورادونفرشان از برادرانی هستند که در داخل شورای مرکزی هستند یعنی برادرمان آقای هاشمی و برادرمان آقای ربانی املشی که عضو شورای فقها از شورای مرکزی هستند اینها در آنجا حضور دارند و بعید است که با حضور برادران در شورایک چیزی بگذرد که اگر شورای فقها تشکیل میشود آن مصوبه بر شورای فقها عرضه میشود مثلاً "شورای فقها آن را رد میکند. این بعید بنظر میرسد البته ما به این قانع نیستیم با زهم اصرار خواهیم کرد که برادران هر چه زودتر شورارا تشکیل بدهند و آن را فعال کنند.

لکن شورای داوری بطور متوسط دو هفته یکبار تشکیل میشود و علت این است که گاهی بعضی از برادرها در شب جلسه نیستند و یکی از اعضاء شورا، برادرمان آقای طبسی در مشهد هستند و گاهی در جلسه حضور پیدا میکنند و برادر دیگرمان آقای موحدی کرمانی هستند که ایشان هم گاهی اینجا (تهران) و گاهی در باختران هستند. جلسه شورای داوری غالباً اعضاء تکمیل نیستند که هر پنج نفر حاضر باشند. البته آقای ربانی بهر است شورای داوری انتخاب شدند ایشان دبیرخانه ای تشکیل دادند و مسئولی را برای این کار انتخاب کردند و پرونده ها را جمع میکنند. البته در بعضی موارد بدایوری هم رسیده است اما آن فعالیت لازم وجود نداشته و با یستی مقداری فعالیتش بکنیم همین هفته با برادرها مذاکره

داشتیم که شورای داوری را فعالتر کنیم. ما معتقدیم که شورای داوری نقش خیلی مهمی با پیدا شده باشد و اگر فعال بشود امکان اینکه بتواند خیلی از مشکلات را حل کند زیاد است.

* نقش حزب در انتخاب مسئولین

س ۵: حزب چه نقشی در انتخاب مسئولین اجرایی مملکت دارد؟
ج ۵: فکر میکنم در صحبت کوتاهی که اول کردم پاسخ این سؤال داده شد. جواب این است که تقریباً هیچ.

اوائل در موردوزرا بحث و تصمیم گیری میشد حتی در مورد نخست وزیر هم تصمیم گیری میشد. یعنی ما در مورد مرحوم رجائی در حزب بحث شد و تصمیم گیری کردیم. اگر چه در آنوقت تصمیم گیری حزب هیچ جنبه رسمی هم نداشت و نمیتوانست داشته باشد. بهمین اندازه بود که ما در شورای مرکزی در مورد آقای رجائی رحمه الله علیه توافق کردیم و این جهت گیری حزب شد و این جهت گیری را تعقیب کردیم و بالاخره هم همین تصمیم شد.

در حال حاضر اینطور نیست. الان حزب و شورای مرکزی در انتخاب وزراء نقشی ندارد و اعضاء شورا نظر میدهند و گاهی با آنها مشورت میشود و نظر میدهند اما نظرشان تعیین کننده نیست.

اما در این اواسط گاهی اتفاق می افتاد که هر دو نظرات شورارای گیری میشد و نظر جمعی شورا بدست می آمد؛ لیکن در عین حال شورا موافقت میکرد که اگر چنانچه من و آقای مهندس موسوی در یک مسالهای در مورد

شخصی توافق داریم آن شخص را معرفی کنیم و لو اینکه برخلاف نظر شما باشد، وقتیکه در مورد مسئولین دسته اول، حزب نقشی ندارد طبیعی است که در مورد مسئولین بعدی هم حزب هیچگونه نقشی ندارد. حتی وزرای حزبی برای انتخاب معاونین خودشان و مدیران کل با حزب مشورت نمیکنند. این چیزی نبود که ما حتماً لازم بدانیم که این کار بشود و نمیشود. این طبق یک مشاوری و تبادل نظریک مصلحت اندیشی کلی بوده است که در خود شورای مرکزی انجام گرفته بود.

کلاً شورای مرکزی قانع است به اینکه مسئولین هر کدام طبق مسئولیت خودشان تصمیم گیری و عمل کنند. فکر میکنیم با وضع کنونی بهمین شکل هم به مصلحت نزدیک باشد.

س ۶: در مورد مواضع حزب و تغییراتی که قرار شده در کنگره در آن داده شود چه مقدار کار شده است؟

ج ۶: این را هم فکر میکنم پاسخ دادیم. هیأتی تعیین شدند و روی مواضع کار شده اصلاحاتی هم صورت گرفته و قرار است چاپ بشود. علت اینکه تا حال معطل شد این بود که بخود تهیه کنندگان گفته شده بود که با زبینی کنند و نظر نهائی خودشان را بدهند. وظایف این کار هم صورت گرفته است. هفته آینده قرار است که آخرین جلسه را بگذرانند و بعد از آن بزیچاپ خواهند رفت.

س ۷: نمایندگان حزبی چه وظایف و چه نقشی دارند؟

ج ۷: ما برای نمایندگان یک واحد ویژه تشکیل دادیم. الان

واحدهای تشکیلات ما چهار واحد هست نه سه واحد. قبلاً ما واحد تهران و واحدها ستانها و واحد خراج از کسور را در تشکیلات داشتیم و طبق مصوبه شورای مرکزی حلالیک واحد هم اضافه کردیم و آن واحد نمایندگان است.

علت این بود که نمایندگان مجلس آنها تیکه عضو حزب هستند اینها را نه در تشکیلات تهران میشد مندرج کنیم و نه در تشکیلات شهرستان، حقیقت هم این است که نماینده یک وجود ویژه است. شخصی است از شهرستانها که در تهران برای مدت چهار سال سکونت دارد و نقش حساسی در مسائل کشور دارد.

هریک از نمایندگان در حقیقت یک سهم از ۲۷۰ سهم همه جریانات است و این یک چیز بسیار عظیم و با تاثیر است.

فکر میکردیم که برادران و خواهران نماینده که از حزب هستند با یستی بتوانند در یک واحد ویژه ای مجتمع بشوند و مسائل خودشان را مطرح کنند و این واحد را تشکیل دادیم که در مجلس تشکیل میشود و دور هم جمع میشوند، تبادل نظر میکنند، کانونی دارند، حوزه‌های در داخل مجلس دارند که البته حوزه‌ها هنوز کامل نیست و قرار است کامل بشود. نقش این مجموعه میتواند نقش خیلی حساس و موثری باشد. یعنی اگر بتوانند این مجموعه به یک نقطه نظری مشترکی نائل بیاید. این خواهد توانست در جهت گیری مجلس خیلی موثر باشد و خطوط صحیح را در مجلس پیگیری و تعقیب بکند. لازم است

که این واحد مقداری منسجم بشود. این واحد تازه شروع بکار کرده و برادران جلساتی دارند منتهی هنوز آن انسجام لازم را پیدا نکرده اند ما از برادران حزب در مجلس بخصوص برادران فعال و حساس همواره میخواستیم در این مورد فعال تر باشند، تلاش بکنند، همفکری کنند، تبادل نظر کنند و اگر این با شدیقینا نقش بسیار زیادی هم در مسائل مجلس و کلا در مسائل کشور خواهد داشت.

* شایعات اختلاف

س ۸: درباره شایعات در مورد اختلاف نظر در شورای مرکزی چه نظری دارید؟

ج ۸: البته اختلاف نظر بمعنی اختلاف سلیقه‌ها بله در شورای مرکزی وجود دارد. کسانی که در این مجموعه مجتمع هستند طبعاً اعضای از کل جامعه هستند، وضع کنونی جامعه ما و انقلاب، آزادی اندیشه‌ها و تلاش و فعالیت‌هایی که همه افراد دلسوز و علاقمند برای پیمودن خطوط واقعی انقلاب دارند یک چنین اختلاف نظرهایی را ایجاد میکند.

من اول در مورد کل اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه‌ها عقیده خودم را بگویم. من از اختلاف سلیقه و اختلاف نظر در مسائل مختلف هیچگونه احساس و بیم نمی‌کنم. این را در وضع کنونی انقلاب ما یک چیز طبیعی و اگر هدایت بشود یک چیز مفید هم حساب میکنم. اگر امروز مردم احساس نبودند نسبت به تکالیف انقلابی احساس یک وظیفه سنگین به خودشان نمی‌کردند شاید این اختلاف نظرها بوجود نمی‌آمد یا کمتر بروز میکرد. برخی از این اختلاف

نظرها بخاطر سختگیری‌هایی است که آن سختگیری‌ها ناشی از احساس وظیفه و تکلیف است. نمی‌گویم هوای نفسها دخالت ندارد. یقیناً هوای نفس در تخالف و تضاد و درگیری‌ها دخالت قطعی دارد و دشمنی در این نباید داشت. اما خود اختلاف سلیقه چیزی نیست که انسان از او بیم و هراس داشته باشد. بله، در شورای مرکزی هم اختلاف نظر در زمینه‌های مختلف وجود دارد. آنچه که نباید باشد وجودش ویرانگر هست تعارض و تضاد هست. ای بسا کسانی که اختلاف نظر هم دارند اما وقتی که کنار هم می‌نشینند. علاج جویانه با مسأله مورد اختلاف برخورد می‌کنند گریک وحدت نظر و نقطه مشترکی هم نرسیدند آن مقدار رسعه صادر دارند که علیه همدیگر کارشکنی و معارضه و مبارزه طلبی و ستیزه جویی نکنند، این چیز خوبی است. اما ما برها در باره اختلافات از سابق که بحث می‌کردند در آن دوران که اختلافات تندوبینی وجود داشت همین را ما می‌گفتند. می‌گفتند که اختلاف شما مثل اختلاف طلبه‌ها باشد. طلبه‌ها با همدیگر در مباحث علمی در درسها اختلاف نظر پیدا می‌کنند، بحث میکنند، جدل میکنند، این استدلال می‌کنند آن استدلال می‌کنند حتی وسط صحبت گاهی هم الفاظ آنها نت‌آمیز هم سرزبان جاری میکنند اما وقتی که مباحثه تمام شد اختلافات تمام میشود، کینه‌ای ندارد، آثری در دل ندارد، آثری در بر خسورد آینه آنها با همدیگر ندارد. در مسائل سیاسی و اجتماعی هم باید همینطور باشند، یک وقت اختلاف، اختلاف کفر و

ایمان هست، اختلاف، اختلاف مبنائی است مثل اختلافاتی که در دوران لیبرالها و ملی گراها وجود داشت در آنجا واقعا "اختلاف، اختلاف مبنائی بود.

ما فکر میکردیم که باید مبنای این جا معه و قاعده، قرآن و فقه و استنباط اسلامی و فقا هت باشد، آنها اصلا این را قبول نداشتند، آنها معتقد بودند که امروز نمیشود اسلام را پیاپی ده کرد. آنهائی که به اسلام معتقد بودند به یک اسلام من در آوردی معتقد بودند به اسلام مبتنی و متکی بقرآن و حدیث و استخراج شده با ابزار فقا هت و اجتهاد عقیده نداشتند. لذا اختلاف ما اختلاف مبنائی بود و هر کار هم می کردیم (با آنکه ما م بارها آنوقت می گفتند اختلافات را ظاهرنکنید و سعی هم می کردیم که ظاهرنکنیم، یعنی ما مسئولینی که با هم سروکار داشتیم در سطوح شورای انقلاب کوششمان این بود که اختلافات را علنی نکنیم) اما عملا "علنی میشد. شما دیدید که تمام جا معه در آتش دودستگی و اختلاف داشت میسوخت. علت این بود که، اختلاف، اختلاف مبنائی بود.

امروز بحمد الله اختلاف سلیقه هائی که وجود دارد بنیانی نیست این خطوط که امروز در زمینه مسائل اقتصادی، در در زمینه مسائل سیاسی اسم آورده میشود هیچکدام از آنها نیستند که (من خطوط برجسته و مشخصی را می گویم و نمی گویم که در هیچ گوشه جا معه کسی اینطوری نیست)، اسلام را با ما مو فقا هت قبول نداشتند یا شند. قاطعا " بنده این را عرض میکنم که طرفین قضیه یا اطراف قضیه

معتقد به ما میا انقلاب و فقا هت و همان خط اسلام واقعی هستند البته اختلاف سلیقه دارند، گاهی یک طرف تصور میکنند که در فلان مساله طرف دیگر اشتباه میکنند حالا اشتباه سیاسی یا اشتباه دینی، طرف دیگر هم در باره این ممکن است چنین چیزی را تصور کنند.

البته من در مورد اختلافات داخل حزب عقیده ام این است که یک مقدار زیادی اختلافات عاطفی است. اختلافاتی است که ناشی از ارتباط دوستانه یا غیر دوستانه مهربانانه یا غیر مهربانانه بین این یا آن شخص است. حقیقت این است یک برادری مثلا "با آن عضو دیگر از سابق آشنائی دارد آنرا بمعنا و اخلاص می شناسد و او را تا ثید میکند، آن برادر دیگر این توقع را از او ندارد این اطلاعات را نسبت به او ندارد، این اعتقاد را نسبت به او ندارد، یک حرکت کوچکی از او را با چشم استنکار نگاه میکند، این منشاء اختلاف میشود. یک مقدار اختلافات، اختلافات عاطفی است. البته بعضی از برادران ما در داخل حزب هستند که این اختلافات را عمده میکنند. سعی میکنند که آنها را مبنائی نشان بدهند، سعی میکنند بر اساس این اختلافات جمعها و گروهها و باندهای مختلف در حزب درست کنند ما بشدت با این مخالفیم. من یک بار دیگر اعلام کردم که ما در داخل حزب، دو حزب و سه حزب را تحمل نمیکنیم جریا نهائی در داخل حزب هستند. که با هم دیگر بدون اینکه هیچ چیز موجب تضاد وجود داشته باشد تضاد حس میکنند. البته بنده اصلی حزب خارج از هر دو جناح و گروه است.

این را شما بدانید، حتی در داخل شورای مرکزی آن بدنه اصلی، آن جمع اصلی داخل دربان‌دبازی و گروه‌بازی از طرفین نیست، چرا بعضی از برادرها در داخل هستند که با هم اختلاف سلیقه دارند. این اختلاف سلیقه در شورا هم هست. اینها را مهم می‌شمارند. بزرگ می‌کنند و به آنها بهای بیش از حد می‌دهند.

در داخل شورا همیشه حرف ما این بوده من و برادرم آقای هاشمی هر وقت در داخل شورا با برادرها صحبت می‌کنیم همین را تکرار می‌کنیم، یعنی به طرفین یادآور می‌شویم که شما هر وقت با هم اختلاف ندارید، آنچه که وجود دارد اختلاف نیست، موجب تضاد نیست، البته اخیراً ما بحث را در شورا مطرح کردیم که چند هفته برادرها روی آن بحث کردند و آن عبارت بود از اینکه زدن برادرها برای ارائه شیوه‌های فعال و کارآمد جهت حل و رفع همی — اندازه از اختلافی هم که وجود دارد استمداد کردیم و کمک خواستیم نه بمعنی اینکه بکلی سلیقه‌ها یکی بشود و نظر ما هیچ با هم مغایرت نداشته باشد. یک چنین چیزی اصلاً نه قابل قبول است و نه قابل پیش‌بینی است و نه ممکن است و نه خیلی مقدور است، بلکه به این معنی که هر چه ممکن است فاصله‌ها را کم کنیم. این را ما مطرح کردیم و برادرها راه‌حلی را پیشنهاد کردند و مسأله آن راه حل‌ها را جمع‌بندی کردیم و فکر می‌کنیم که طبق نظراتی که برادران دارند با فعال کردن شورای داوری و همچنین با ارائه کتاب مواضع ما و انشاء الله فعال کردن واحد

عقیدتی و سیاسی بسیاری از این اختلاف‌نظرها برطرف خواهد شد.

س ۹: چه راهی برای فعال تر شدن نقش اعضای شورای مرکزی در حزب در نظر دارید؟

ج ۹: البته این هم مثل اینکه اشاره شد، اگر برادران شورای مرکزی مسئولیتهای کمتری داشته باشند و حداقل یک نیمه‌وقتی را به حزب اختصاص دهند ما فکری کنیم شورای مرکزی و به تبع آن بخشهای مختلف حزب فعال خواهند شد. ما صحبتی با برادرها داشتیم برای اینکه در داخل دفتر مرکزی حزب هم کار را فشرده و از نظر زمان محدود کنیم و این کاری است که انشاء الله انجام خواهد گرفت که در دفتر مرکزی حزب بجای اینکه یک کارگسترده از صبح زود تا آخر شب وجود داشته باشد یک زمان محدودی را بگذاریم و کار فشرده و منسجمی در آنجا انجام بگیرد. اگر این کار انشاء الله انجام بگیرد، امید این هست که برادران شورای مرکزی هم در یک چنین کار منسجمی بطور زمان‌بندی شده شرکت کنند و این کار در شورای مرکزی هم یقیناً اثر خواهد گذاشت.

س ۱۰: درباره فرمایشات حضرت امام نظر حضرتعالی چیست؟
ج ۱۰: نظر ما درباره فرمایشات امام خیلی واضح و روشن است. همه جا نظرات امام روشن‌کننده خط اصلی انقلاب است و ما از اول انقلاب تا بحال در تمام مسائل و حوادث و رویدادهایی که وجود داشته نظر امام را مثل یک مشعل یافتیم که راه را روشن می‌کند، ابهام‌ها را برطرف می‌کند، در موارد

اختلاف نظر، خط مستقیم را نشان میدهد، آن چیزی که من میتوانم عرض بکنم این است که بعد از زپیا می که ما در مورد فعال کردن بخش خصوصی و توصیه‌های که بدولت داشتند در این مورد ایراد کردند، گویا ززمه‌های درگوشه و کنار بوده که حاکی از زیرسؤال بردن دولت و موجب تضعیف دولت بود.

اما من، تضعیف دولت را قبول نمی‌کنم، از اول هم همینطور بود. اما م‌بحق معتقدند که آن دستگای هی و آن قطاری که با ر سنگین انقلاب را بردوش دارد و اجرائیات انقلاب که تجسم واقعی انقلاب هست بعهده دارد دولت است. اگر دولت درجایی ضعیف داشته باشد راه جبران این ضعف این است که ما بدولت کمک کنیم. اگر ما ماشینی را که دارد این سربالائی سخت را با زحمت و با عبور از مشکلات و موانع گاز میدهد و با لامیرود و بنظر اگر مقداری کم آمد یا حرکتش کند آمدیک لگدهم ما بز نیم یک سنگ هم ما بز نیم که آقا چرا اینطور سست حرکت میکنی، خوب این ماشین بکلی از حرکت خواهد ایستاد، لذا است که ما معقیده‌شان این است که ما با بیداین دولت را تقویت کنیم.

اجرائیات کشور با تقویت مجریان کشور براه خواهد افتاد. لذا می بینیم که ما بدولت را از اول تا حالا تقویت میکنم. اوایل انقلاب با اینکه آن دولتی که آنوقت بود از لحاظ خط و ربط و جهت گیری سیاسی و مورد اعتماد ما نبودن با دولت کنونی زمین تا آسمان فرق داشت، حتی آن دولت را هم ما حمایت می کردند برای

خاطر اینکه اگر چنانچه بمردم گفته نمی شد که از دولت حمایت کنند و برای حمایت از دولت نمیشد، تا ئیدنمیشد همان مقدار کآئی را هم از دست میداد.

اگر ما بدولت راهنمایی می‌کنند، خط میدهند، توصیه میکنند، امر می‌کنند، این نباید بهانه‌ای بشود برای اینکه کسانی این را چماق کنند و بسردولت بزنند. هیچ اشکالی ندارد که اگر ما اصولاً بگوییم که آقا بخش خصوصی را تقویت کنید مردم را مشارکت بدهید، بساز را داخل کارها بکنید، آن کاری را که مردم نمی‌توانند بکنند آن کار را شما بکنید همین توصیه را و همین توقع را مردم از دولت داشته باشند این هیچ اشکالی ندارد. ما نمی‌گوئیم که مردم از دولت نخواهند که به حرف ما عمل کنند خیر دولت موظف است که به حرف ما عمل کند آنچه را که ما دستور دادند مجریان کشور بیدآن را در حد بالابالاترا آنچه که مردم عادی اهمیت می‌دهند اهمیت بدهند در این شکی نیست. اما این هم نباید باشد که همین رایک سوژه‌ای قرار بدهند و دولت را زیرسؤال قرار بدهند و تضعیف کنند و فرمایش ما را بخوانند چماقی بکنند و بسردولت بزنند این را ما بگوشان خورده بود که چنین چیزی وجود دارد و یا ممکن است وجود داشته باشد لذا می بینید که این حرکت مثل همیشه حرکتی زیبا، بجا و در حقیقت پرکردن یک خلاء بوده.

* مشکلات قضائی کشور

س ۱۱: درباره رفع ضعفهای که در عملکرد قوه قضائیه بچشم

میخورد چه برنا مه‌هایی در نظر گرفته شده است؟
 ج ۱۱: البته ضعف‌هایی وجود دارد که قابل انکار نیست لکن اگر لازم باشد که از طرف قوه قضا ئیه با شما صحبت کنیم و عذر-
 خواهانها نه و توجیه‌گرا نه بخوانم صحبت کنیم با یدبگویم که قوه قضا ئیه با یک مشکل بزرگ روبروست و آن کمبود نفر است و این را باید جدی گرفت. من ضعف‌هایی را که در عملکرد قضا ئی کشور وجود دارد قبول می‌کنم و باینها واقف هستم و شاید آن اندازه که من واقف هستم شما نباشید و شکوائیه‌های زیادی به من میرسد بخصوص از جاهای حساس که احتیاج به قاطعیت و قدرت و شجاعت قضا ئی لازم دارد و مرتب هم به برادران مسئول در قوه قضا ئیه مراجعه می‌کنند من اینها را در جلسات روسای سه قوه که هفته‌ای یکبار است و من حداقل یکبار در هفته رئیس قوه قضا ئیه را می‌بینم مسائل را به ایشان منتقل می‌کنم و با ایشان در میان می‌گذارم.

جوابی که میدهند و حق هم با آنهاست اینست که "نفر نداریم". راست هم می‌گویند چون شرط قضاء در اسلام بسیار سنگین است و ما هم قبل از انقلاب خود را برای چنین صلاحیتهایی آماده نکرده بودیم. این کار مقداری آگاهی و تجربه قضا ئی و آما دگی رویارویی با مشکلات را در قبل از انقلاب طلب میکرد. البته مسئولین قضا ئی تلاش کرده اند و از حوزه‌های علمیه استمداد کردند و درخواست همکاری نموده اند و مقداری نیز در این کار توفیق پیدا کرده اند ولی با زهم کم دارند و اگر نفرات

داشته باشند من خیال می‌کنم که مشکلات قضا ئی تا حدودی کاهش خواهد یافت و اما اینکه چه برنا مه‌هایی در نظر گرفته شده است باید بگویم که جذاب فرا دو تربیت آنهاست.
 * مواضع اقتصادی حزب

س ۱۲: در رابطه با فرمایشات امام امت و آیت الله العظمی منتظری و جناب عالی درباره مشارکت بخش خصوصی در امر اقتصاد، اخیراً برداشتهای متفاوتی از این مسائل شده است و تاکنون هم حزب جمهوری اسلامی بویژه شورای مرکزی اعلام مواضع صریح نکرده است و آنچه ذکر شده نظرات شخصی است. تکلیف اعضاء در رابطه با پاسخگویی مردم بویژه در حوزه‌های حزبی چیست؟

ج ۱۲: یک وقت است که ما مطلب مشتبه‌ی را بیان می‌کنند که ما باید درباره آن توضیح بدهیم تا تکلیف مردم روشن شود. در اینجا چنین چیزی نبود. ما مطلب صریح و بسیار روشنی را بیان کردند. البته بیانات ما همیشه همین گونه است و همواره ما صریح و با زبان مردم سخن گفته‌اند. آنجائی که ما موضع گیری می‌کنند اصلاً چرا شما منتظر موضع گیری حزب میشوید؟

ما بارها اعلام کرده ایم که آنچه ما می‌گوییم همان خط ما است. ما هم مقلدان ما هستیم، هم ما مرهبر ما است. یعنی خط و ربطی که ما مترسیم می‌کنند هم تکلیف سیاسی و هم تکلیف دینی ما است. بنا بر این وقتی امام در مورد بخش خصوصی اینطور صریح و قاطع حرف می‌زنند خوب، تکلیف ما هم مشخص است. آیا لازم است که ما یکبار دیگر هم

علامیه بدهیم و بگوئیم که ما درباره بخش خصوصی نظرا ما م
 راقبول داریم؟ خوب، این معلوم و روشن است که ما نظر
 اما م راقبول داریم و کار ما اصلا "اینست که در خط امام
 باشیم و هیچ شبهه‌ای هم وجود ندارد.

و اینکه بعضی هم سعی کرده اند و نمود کنند که من یک
 جور صحبت کرده ام و آقای هاشمی جور دیگری صحبت کرده اند
 این کار اشتباهی است. آقای هاشمی و مواضع ایشان
 درباره بخش خصوصی صددرد با مواضعی که بنسبده دارم و
 مواضعی که آیت الله العظمی منتظری بیان کرده اند و
 فرمایشات امام کا ملا "منطبق است .

ما سالهاست که با هم نشستیم و در مورد همه مسائل هم
 با یکدیگر سخن گفته ایم و همه ما معتقدیم که در تمام
 فعالیت‌های کشور مردم مشارکت داده شوند و این نظرا سلام
 است، در تجارت، در صنعت، در کشاورزی، در خدمات و در همه
 امور. البته در همه امور هم باید نظارت و هدایت و راهنمایی
 سیاست گذاری دولت باشد. دولت مثل رشته‌ای است که
 دانه‌های تسبیح را به هم متصل میکند. اگر دولت نخواهد
 سیاست گذاری بکند. خوب ممکن است کسانی از بخش
 خصوصی پیدا شوند که بخوانند سوء استفاده کنند و بخوانند
 فساد انگیزی کنند و بخوانند در سایر مایه اندوزی و ایجاد
 فوایل بیشتر طبقا تی بکنند. دولت که نمیتواند اینها را
 تحمل کند. دولت مسئول است و نباید بگذارد و سیاست
 گذاری را با پیدا نجام دهد.

در سایه و چهار چوب سیاست گذاری دولت، بخش خصوصی

در تمام زمینه‌ها تلاش کند و این فرمایش ما م بود، نظر ما
 هم همین است. نظر آقای هاشمی هم همین است و هیچگونه
 اختلاف نظری وجود ندارد. حالا اگر نظر حزب را هم اگر
 بخوانید پیدا کنید بنده به عنوان دبیر کل حزب میگویم که
 نظر حزب هم همین است .

س ۱۳: برادر رفسنجانی در پرسش و پاسخ اخیر خود راجع به عدم
 هما هنگی در شورای مرکزی حزب مطالبی را فرمودند.
 جناب عالی بعنوان دبیر کل حزب نسبت به رفع این
 نا هما هنگی چه تدبیری اندیشیده‌اید؟

ج ۱۳: آنچه برادرمان آقای هاشمی رفسنجانی فرمودند همان
 چیزی است که در واقع وجود دارد و من هم همان را میگویم.
 برای رفع نا هما هنگی هم همانطور که گفتیم بیرون
 آمدن مواضع کمک میکند، فعال بودن شورای دآوری کمک
 است، رسیدن اعضای شورا به کارها هم کمک است و این را
 هم میگویم که یک مقداری از حرفها ناشی از بیکیاری
 است. وقتی که افراد کارنداشته باشند به سیاست بافی،
 انتقاد و بحث و جدل میپردازند. ولی کار که داشته باشند
 مشغول کار میشوند و از بحث و جدل خودداری میکنند.
 البته باید بگویم که واحد عقیدتی ما هنوز فعال نیست.
 و واحد عقیدتی که باید فعالترین واحد حزب باشد
 متاسفانه هیچ فعالیت ندارد. بعضی از برادران را ما
 مسئول کردیم و تکلیف کردیم ولی قبول نکردند. بعضی
 برادران را تکلیف کردیم و قبول کردند لکن بعد پشیمان
 شدند مثل اینکه با رسنگینی است و مشکل حاضر به کشیدن

چنین با رسنگینی میشوند و جدا" هم مشکل است که مسائل عقیدتی به شکل صحیح و متناسب با وضعیت کنونی انقلاب منتشر شود.

با ز فکر کردیم که مسئولیت را به یکی از برادران واگذار کردیم و خدا کند که به دل این برادر بیفتد و قبول کنند و باید هم قبول کنند. اگر واحد عقیدتی راه بیفتد سه مزیادی در سبک کردن این مسائل خواهد داشت.

س ۱۴: منظورا ما از نیروها ئیکه در تضعیف دولت از طریق سخنرانی یا بیانیه میکوشند چه کسانی هستند تا آنجا که اما ما آنرا جا داده صاف کن صدام و منافقین مینا مند و خطاب به آنان میفرمایند: "شما ئیکه از عهده داره یک نانوای هم عاجزید چگونه این دولت را تضعیف مینمائید؟ ج ۱۴: در پاسخ باید گفت من حقیقتا" نمیدانم که نظر شریف امام به چه کسی یا کدام جریان یا کدام گروه بوده است و بعد از آن تا امروز من هنوز خدمت امام نرسیده ام که اگر لازم باشد از وجود شریف ایشان استفسار کنم که منظورشان چه بوده است.

و لابد اطلاعاتی به ایشان رسیده بود که بر اساس آن اطلاعات این مطلب را بیان فرمودند و حتما" هستند کسانیکه این نگرانی را در ایشان بوجود آورده بودند.

س ۱۵: چه کسانی بعد از موضعگیری حجه الاسلام هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران در هفته گذشته پیغام دادند و حاکم دولت را میکوبید هاشمی را هم اضافه کنید "تا جائیکه امام احساس تکلیف کرده و در روز عید سعید غدیر رضایت خویش

را از دولت اعلام نمودند؟

ج ۱۵: این را من اصلا" نشنیده ام و نمیدانم چه کسی گفته باشد که آقای هاشمی را هم اضافه کنید و اصلا" دلیلی وجود ندارد. این را بدانید نظر صریح و قطعی و رسمی امام و حزب این است که دولت باید تضعیف نشود، اما اینکه آقای هاشمی را تضعیف کنند آقای هاشمی چرا؟ ایشان که مسئول کارهای دولت نیستند، اگر هم فرضا" یک ضعفی یا نقصی در دولت باشد به آقای هاشمی ارتباط ندارد. به دولت و از آنهم بگذریم به بنده ارتباط خواهد کرد. من دلیلی نمی بینم که آقای هاشمی را کسی تضعیف کرده باشد.

خطبه های نماز جمعه هفته گذشته آقای هاشمی را که ما در تهران نبودیم و قسمت کمی از آنرا من توفیق پیدا کردم آخر شب بشنوم ولی بعد که به ایران آمدم از کل مطالب خطبه های ایشان مطلع شدم. این مطالب اصلا" مطالب بدی نبود. ایشان روی مسأله عدم تضعیف دولت تکیه کردند و اصرا کردند که دولت نباید تضعیف شود و این حرفی است که همه می زنیم و بنا بر این موجب وجود نداشته که کسی خدای نکرده ایشان را تضعیف کند.

س ۱۶: اخیرا" مسأله مالی بصورت امر طاقت فرسایی موجب شکستن همهء دفاتر و حتی در آستانه انحلال قرار گرفتن بعضی از دفاتر شده است در دفتر مرکزی نیز بر اساس شنیده ها این چنین خبرهایی وجود دارد لطفا" بفرمائید چه راههایی در مجموع برای این امر وجود دارد.

ج ۱۶: ما وقتی فکرمی کنیم برای مسائل مالی حزب چه راهی وجود دارد. یکی از راهها این است که از شما مدیران حزب در شهرستانها کمک بگیریم شما فرزندان حزب هستید وقتی ما در احتیاج به کمکی دارید باید شما کمک کنید این چیز طبیعی است و ما قائل به خودکفائی دفاعی هستیم این را من بطور جدی به آقایان عرض بکنم ما معتقدیم دفاعی تر باید خودکفا باشد بروید در این خط. نمی گویم الان از دفتر مرکزی به کسی چیزی داده نشود خوب چاره ای نداریم و مجبوریم با زهم یک مقداری کمک کنیم ما برادران در مراکز استانها و شهرها بروند به سراغ خودکفا کردن دفاعی در آمدت آن کم است خرجتان را هم کم کنید اگر ما جمعه کمک نمی کند، عالم محل کمک نمی کند مردم کمک نمی کنند عضوی هم در آنجا ندارید از اوج عضویت بگیرید و خود شما اصلاً بی ثمر است. وجود شما در آنجا آن وقتی بعنوان دفتر نه بعنوان شخص - موثر است که در آنجا عضوی باشد، طرفداری باشد، علاقمندی باشد که شما بخوانید آنها را خط و ربط بدهید، هدایت کنید، سرگرم کنید خوب اینها باید از لحاظ مالی هم به شما کمک کنند این چیز جدی است تا حدی که زیادی بیاورید برای ما هم بفرستید علتش هم اینست که حزب در تهران مسئولیتهایی دارد و کارهایی می کند که شما در شهرستانها آن را ندارید بنا بر این نمی شود بگوییم که خوب تهران هم عضو دارد، از اعضای تهران حق عضویت بگیرند - مسائل تهران مسائل کل کشور است کارهای مهم می کند

واحدهای فراوانی دارد واحدهای پشتیبانی مربوط به همه کشورند بنا بر این مخارج بیشتر احتیاج دارد، اعضا و کارمندان بیشتری می خواهد خرج پرسنلی بیشتری دارد مجالسی که اینجا تشکیل می شود، اعلامیه هایی که داده می شود کارهایی که می شود اینها همه مخارجی دارد که نمی شود این مخارج فقط بردوش اعضای تهران با شود این بیچاره ها جرمان اینست که ساکن تهران شده اند و باید تمام این بارهای سنگین حزب سرا سر کشور را اینها بردوش بکشند. نه آقایان حزب مشهود فعال باشد، حزب اصفهان فعال باشد، حزب شیراز و کرمان و تبریز فعال باشد، فعال هستید الحمدلله واقعاً "همه تان را قبول داریم که همه اینها بی که اسم آوردیم فعلاً لیست تا نئید می کنیم و تقدیر می کنیم از همه تان، اما فعال در گرفتن پول باشید خودتان را اداره کنید ما را هم اداره کنید، این حرف اول اما بعد... مشکل مالی حزب یک مشکل جدی است ما باید از طریق اعضا حزب را تا مین کنیم و این کار تا حالاننده ما تا حالا کمکهای گوناگون مردم حزب را تا مین کرده ایم، این هفته کمکی که ما گذاشته ایم برای ما خیلی ارزش دارد حالا البته ارزش معنوی هم داشت از ارزش ما پیش بالاتر، یعنی به ما نشان داد که چطور این مردم کوچک و بزرگ و مستضعفین و قشرهای عظیم مردم وظیفه خودشان می دانند که ۱۰۰ تومان و ۲۰۰ تومان و ۵۰۰ تومان به حزب جمهوری اسلامی کمک کنند و کمک کردند و میلیونها برای ما جمع کردند که ما توانستیم بسیاری از بارهای

مالی حزب را به منزل برسائیم ما از جهت مالی هم برای ما مهم بود، غیر از جنبه معنوی، بخاطر اینکه خوب یک مقداری بازقرض های حزب را سبک کرد کمک های متفرق دیگری هم وجود داشته که افراد خیر، افراد مومن همانهایی که همیشه در پیش از پیروزی انقلاب هم کمکهای درکارهای خیر می کردند و اینها گاهی به ما کمک کردند و توانستیم حزب را بچرخانیم. البته اخیراً "برادران واحد مالی محکم ایستاده اند که با دیدیک فکر بنیادی و اساسی برای ما بکنند ما می گوئیم راست می گوئید یا یستی یک کار پول در بیا ر برای حزب پیش بینی کنیم که فکرهای را به دنبال خودش داشته و مطالعاتی انجام گرفته که بتوانیم با سرمایه مردم (چون حزب بدون سرمایه مردم هیچی ندارد و از بیت المال هم یک ریال مانم نخواهیم استفاده کنیم بحمداً... از اول تا حالا استفاده نکرده ایم) و اعضای حزب بتوانیم بلکه یک کارها و فعالیت های اقتصادی را در کنار حزب بگذاریم تا بتوانند مخارج ضروری حزب را تامین کنند عاکنید، کمک کنید، کمک فکری، وانسانی کنید تا اینکه انشاء الله این کارها یک رونقی پیدا کند یعنی پیش برود و به نتیجه برسد و وضع مالی حزب طبعاً بهتر خواهد شد.

س ۱۷: سئوال یکی از حضار در مورد مصرف خمس و سهم امام جهت حزب .

ج ۱۷: ما خمس و سهم امام را خودمان قبول می کنیم اینکه ما از طرف امامان اجازه داریم این است که ما به من و آقای

ها شمی و مرحوم با هنرا اجازه دادند که ما وجوهات را خودمان قبول کنیم توجه می کنید؟ بعدا گرچنانچه ما مصلحت دانستیم از جهت تبلیغات اسلامی صرف حزب هم بکنیم ما هم این کار را می کنیم ما سهم امام و خمس را هم بگیریم آنجائی که حزب تبلیغات اسلامی می کند فقط آنجا صرف خواهیم کرد بنا بر این می توانیم اجازه بدهیم منتها بشرط اینکه اولاً "بیا بید به دست خودمان برسید بعد هم در موارد تبلیغات باید صرف بشود .

س ۱۸: در ذهن برادران ابهام وجود دارد که ضرورت چاپ و سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی در روزنامه چه بوده است؟

ج ۱۸: به نظر من پاسخ سئوالات ایشان در روزنامه بسیار رکاب مفیدی بوده است، هیچ شکالی ندارد برای خاطر اینکه سئوالاتی از ایشان شده بود ایشان جواب دادند اگر چه بوسیله برادران و خواهان حزب در تهران شده بود، اما بعضی از آنها سئوالات همه مردم است. شما امروز در این مملکت چه کسی را سراغ دارید که از آقای هاشمی بهتر و معتبر تر و امین تر باشد برای پاسخ به ابهامات ذهنی مردم. جواب دادند و چاپ شده خیلی هم خوب شد. ولذا من اینگونه فکر نمیکنم و لابد این مطلب در ذهن بعضی از برادرهاست و برادرهای بیشتری قاعدتاً "علاقتمند و موافق بودند اینها چاپ بشود و من هم جزء همان برادرها شمی هستم که علاقتمند و موافق بودم که اینها چاپ بشود .

س ۱۹: چرا این مسئله به روزنامه ها کشیده شده است؟

ج ۱۹: این از چیزها نیست که واضح است یعنی اینکه آنچه

آقای هاشمی در آن صحبتها ایشان گفتند بیش از آن چیزی که مرسوم بوده که نیست. وجود اختلاف سلیقه‌ها یک چیز واضح است این را همه میدانند که اختلاف سلیقه وجود دارد در دولت هم وجود دارد، در حزب هم وجود دارد، در سطح جامعه هم وجود دارد منتهی ما می‌گوییم این اختلاف سلیقه‌ها به یک شکلش اشکالی ندارد و آن این است که اختلاف نظر باشد. اما در تضاد و اصطکاک نباشد. تصور می‌کنم نظر آقای هاشمی هم همین است. و قطعاً هم همین است و این اشکالی ندارد که این گفته بشود و بنظر نمی‌رسد که این ایراد داشته باشد.

* گروه‌های بی‌نام و نشان در صدد تضعیف حزب

س ۲۰: با توجه به اینکه گروه‌های بی‌نام و نشان با همه قوادرحال مبارزه با حزب هستند آیا این مطلب وسیله سوء استفاده برای توجیه حرف‌های آنها نمیشود؟

ج ۲۰: البته این را تصدیق می‌کنم که گروه‌های بی‌نام و نشان و باندهای خطرناک در گوشه و کنار هستند و دارند تلاش‌های سیاسی مشکوکی میکنند که از جمله آن تلاشها تضعیف حزب است و یکی از اهداف آنها ویرانگری حزب است.

تا ئیدمی کنم که چنین باندهائی وجود دارد لکن اینکه اشاعه حرف‌هایی از قبیل حرف‌های آقای هاشمی و مطالبی که من برایتان گفتم موجب این بشود که آنها حرف‌هایشان توجیه بشود، نه. هم من و هم آقای هاشمی در عین اینکه بعضی از ضعفها و نقصها و مشکلات در داخل حزب را قبول داریم در اصل حزب و تا ئید حزب و تقویت حزب و توسعه

مسیریم در حالیکه آنها در اصل بنیان با حزب مخالفند چطور میتوانند با حرف‌های ما و وسیله‌های و حرب‌های برای خود درست کنند.

علت اینکه آنها با حزب مخالفند این است که حزب در خط کلی سیاسی اش منطبق با خط امام و خط انقلاب است. آنها آن را قبول ندارند. فقط را قبول ندارند، امامت اسلام را، آنطور که ما معتقد هستیم قبول ندارند بنا بر این حزب مورد تا کید و تا ئید ما است. بنا بر این ایرادها و ضعفها را قبول داریم و از خدا هم کمک می‌خواهیم و انشاء الله همت هم می‌کنیم ایرادها بر طرف بشود. گفتن اینها من فکر نمی‌کنم توجیه کننده و کمک کننده حرف‌های آنها باشد.

س ۲۱: آیا بهتر نبود این سخنرانی به صورت جزوه در اختیار حوزه‌های علمیه قرار می‌گرفت؟

ج ۲۱: چرا من موافقم. سخنرانی آقای هاشمی را - یعنی همان پاسخ به سئوالات را بگوئید جزوه کنند و بفرستند، کسه برادرها رویش مطالعه کنند، بحث کنند. این هم کار خوبی است.

س ۲۲: در مقابل سئوالات فراوان برادران حزبی و ائمه جمعه که برای حزب یک قداستی قائل بودند و هستند چه جواب بدهیم؟

ج ۲۲: اولاً "که قداست حزب منافات با مسئله‌ای که گفتیم ندارد. حزب با زهم قداست دارد حزب یک طریقه جا ریه است، فعالیت حزب یک انفاق حقیقی است در این زمان فعالیت حزبی و تکیه ما دقانه باشد شریفت‌ترین و

عزیزترین فعالیتهاست الان هم همین است اگر وضعی در کار ماها مسئولین حزب و اعضای حزب وجود داشته باشد این نمی تواند حزب را زیر سوال ببرد و از فداست او بکا هدینا براین نه، این هم هیچ مشکل را بوجود نمی آورد. س ۲۳: چرا حزب در کمتر موردی از مسائل حساس اجتماعی اعلان مواضع میکند؟ آیا این حالت باعث سردرگمی اعضا نمیشود و دشمن نیز برای شایعه پراکنی میدان عمل وسیع تری پیدا نمیکند؟

ج ۲۳: این تا حدود زیادی اشکال واردی است. البته باید بگویم یک مقدار اختلاف سلیقه ها داخل حزب در این اعلان مواضع سریع وقاطع موثر است و همین بگو مگوهای که بین برادرها هست بی تاثیر در اینموارد نیست و این چیزی است که موجب میشود ما هر چه سریعتر از خدا کمک بخواهیم این بگو مگوها را کم کنیم، از آن حالت پرخاشگری لاقبل به میزان زیادی کم کنیم.

س ۲۴: آیا از این دو جریان در حزب میتوان بعنوان خطری یاد کرد؟ اگر خطری نیست در چه صورت باید آنرا خطر تلقی کرد و چه تدابیری باید اندیشید؟

ج ۲۴: خوب، بلکه هر چیزی که اختلاف انگیز باشد خطر است. اگر برادرهای حزبی بخواهند از پیگانه حزبی برای تشدید اختلافات استفاده کنند خطرناک است. اگر نمایحی را که ما به طرفین قضیه میکنیم نا دیده بگیرند و سعی کنند در تضعیف همدیگرو با ندبازی در داخل حزب بکار ببرند البته خطر است اگر اینقدر طرفین به هم فشار بیاورند که

منجر به یک نوع انشقاق و خدای نا کرده انشعاب در حزب بشود، البته خطرناک است.

و شک نیست که اینها ضرر خواهد بود و این را هم شما بدانید اگر حزب جمهوری اسلامی نا کام بشود و شکست بخورد و تا موفق بشود تجربه حزب در کشور ما تا مدتی نا کام خواهد بود. لذا است که نباید بگذاردیم. من به همه شما برادرها و به همه برادرانی که بالاخره نسبت به یکی از این جریانها ممکن است یک نوع گرایش و حساسیتی داشته باشید، توصیه میکنم که شما نسبت به آن جریان مخالف خودتان دشمنی نکنید و خصومت نکنید، با آنها دشمنی نکنید، نسبت به آنها کینه ورزی نکنید، از آنها غیبت نکنید، به آنها تهمت نزنید، اگر مشکلات حل نشد اختلاف نظرا شکل نداد.

شما خیال میکنید که دوستان نزدیک با هم در تمام مسائل وحدت نظر دارند؟ این مواضع ما که تعیین شده نظریک جمع بوده چند نفر دور هم نشستند و هفته های متوالی در طول یکسال گذشته که اینها ذره، ذره فراهم شده در این مسائل بین ماها اختلاف نظر شده بود. بعضی وقتها طی بحث به نقاط مشترک رسیدیم آن نقاط مشترک را مبنا قرار دادیم بر اساس آن حرکت کردیم. شما الان خیال میکنید که در شورای مرکزی اتفاق نیافتد که یک جایی بنده دستم را بلند کنم آقای هاشمی بلند نکند و ایشان بلند کند من بلند نکم؟ میشود گفت که اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف، اختلاف در تشخیص یک مسئله است. این معنایش دشمنی کردن نیست و توجه داشته باشید که برادرها اینطور مسئله را میتوانند از خطر خارج کنند با همین توجه که

من کردم خصومت نکنند با یکدیگر با آن جناحی که فکرمی کنید طرف مقابلتان است علیه او حرف نزنید، غیبت نکنید و با او با صورت با زبر خورد کنید، با دل با زبر خورد کنید دیگر مشکلی وجود ندارد.

س ۲۵: بدیهی است که در مورد مسائل کشور و سلیقه در شورای مرکزی حزب وجود دارد و برای اینکه اختلاف سلیقه صلاح نیست در بعضی موارد حضرت عالی اعلام موضع بفرمائید. اما چرا در بعضی از مسائل که حضرت امام مدظله العالی اظهار نظر میفرماید و بنده و نظر میدهند حضرت عالی در مقام بیان قرار نمیگیرید و در مورد دولت شما چرا در بیان حضرت امام موضعگیری نمیکنید؟

ج ۲۵: بعضی از اوقات فرمایشات امام یک موضع گیری قطعی بدنیا لاش لازم دارد مثل همین فرمایشات اخیرشان که ما در نماز جمعه موضعگیری کردیم. یعنی بیان امام را تشریح کردیم و بیان کردیم و ذکر کردیم. آنجائی را که امام یک اعلامیه ای میدهند یک دفعه از اطراف تا ئید از حرفهای امام بلند میشود ما اینطور جاها خیلی دوست نداریم که کاری را که امام دستور دادند انجام بدهیم، انجام نداده اعلام و تا ئید بکنیم و اعلام موضع بکنیم. در نتیجه اطلاعیه ۸ ماده ای طبیعی بود که ما زودتر از مردم و دیگران خیر شدیم از این موضوع که اعلامیه دادند و اعلامیه بسیار قوی و خوبی هم بود. این اعلام موضع نداشت که وقتی که امام چیزی را بیان کردند تکلیف ما است که عمل بکنیم. بنده فکر میکردم که اگر یک بخش از اجرای اعلامیه ما مبه من

مربوط بشود هر وقتیکه عمل کردیم تلگراف خواهیم زد خدمت امام که آیا این عمل شد. اما اینکه حلاهیج کاری نکرده و هیچ عمل انجام نداده ما صدا بلند کنیم که آیا قبسول داریم، با ید این کارها بشود، آیا این "با ید ما" زیبا ید امام قرض تراست؟ امام که گفتند با ید، با ید انجام بگیرد. در این موارد که آیا چرا شما در مورد اطلاعیه ۸ ماده ای امام اعلام موضع نکردید، خوب دیگر اعلام موضع ندارید که البته ما مبیان کردند که با ید انجام بدهید و انجام هم دادیم.

س ۲۶: در مورد دولت فکرمی کنید عدم اظهار نظر صریح و قاطع و در مجموع یک طرفه با تمام ضعفها و قوتها کار را به بی تحلیل بودن برادرها و خواهان حزب کشانیده است؟

ج ۲۶: در مورد اظهار نظر حزب درباره دولت فکرمی کنم اظهار نظر روشنی بوده است اگر چه ما از طرف حزب اعلامیه ای ندادیم. خوب، رئیس دولت آقای مهندس موسوی عضو شورای مرکزی حزب هستند، چندتا از وزرا عضو شورای مرکزی حزب هستند، بنا بر این روشن است که حزب طرفدار دولت است و حمایت از دولت میکنند و این چیز واضحی است. اما بله، اعلامیه صریح ندادیم ولی اظهارهای صریح و قاطع کردیم.

هم ما اظهار نظر کردیم هم آقای هاشمی اظهار کردند. بارها گفتیم که دولت نباید تضعیف شود و باید کمک بشود. این یک امر خیلی لازم و ضروریست و هر کس که هر جور میتواند با بیستی به دولت کمک کند و نظر حزب هم این است.

س ۲۷: امام در دیدار با فقهای شورای نگهبان فرمودند یک

قصه هم، قصه ائمه جمعه و بعضی از روحانیون بلاد است که با دخالت خود در امور، موجب دلسرد شدن نیروهای صدیق میشوند که بیم آن می‌رود بر اثر آن روحانیون منزوی شوند و با منزوی شدن روحانیون جمهوری اسلامی شکست بخورد. حال با توجه به نمونه‌های متعدد دخالت‌های ناساروای بعضی از ائمه جمعه در امور مملکت از جمله عزل و نصب استاندارها و مخالفت با کارگزاران جمهوری اسلامی که صرفاً "رضایت شخصی آنان را نتوانستند جلب نمایند در این باره شما راه حلی برای پیش‌گیری از ضایعات موجود سراغ دارید؟

ج ۲۷: لابد این سؤال از من بعنوان امام جمعه تهران است، چون این نه به مسئولیت حزب می‌خورد و نه به مسئولیت دولتی که یک تدبیری بی‌اندیشیم که ائمه جمعه دخالتی نکنند. این بعنوان امامت جمعه تهران جای سؤال دارد که سؤال بشود البته ما جمعه تهران و عضو شورای مرکزی ائمه جمعه و خود شورای مرکزی در حقیقت خیالی تا شیری در اداره کارهای ائمه جمعه ندارد. این را شما بدانید، ائمه جمعه خیلی هاشان با ما دوستان قدیمی هستند در فضای نزدیک هستند. ما تبادل نظر داریم، حرف می‌زنیم و حرف می‌شنویم. توصیه می‌کنیم توصیه می‌شنویم، اینها وجود دارد اما اینکه حاشما خیال کنید که یک دستوری صادر میشود از طرف شورای مرکزی یا از طرف امام جمعه تهران که آقای امام جمعه فلان جا شما دیگر در کارهای استان دخالت نکنید.

نه، چنین چیزی مرسوم ما نبوده و نیست. فکر میکنم بالاترین مرجع و مقامی که میتواند برای ائمه جمعه تکلیف معین بکند و به آنها خط بدهد و آنها را با زبندارد و آنها را وادار کند عبارت از آن مقامی است که مشروعیت امام جمعه وابسته به آن مقام است. یعنی چه؟ یعنی آزاد است چون امام جمعه ای را که امام منصوب کرده. با شدا "امام نیست پس مشروعیت مطلق مربوط به امام است وقتی امام گفتند که مقام منصوب من که تورا نصب کردم تو در کار دولت دخالت نکن و در کار استان دخالت نکن، و با ید نکنند، اگر کرد مشروعتش زیر سؤال است من فکرمی کنم بجای اینکه ما بخواهیم این تدبیر را بی‌اندیشیم خود ما این تدبیر را اندیشیدند یعنی در حقیقت فرمایشان رفتار ائمه جمعه ای را که ممکن است برخلاف نظر ایشان عمل بکنند زیر سؤال برده و محکوم کرد.

س ۲۸: چرا یک برنا مه ریزی قوی در دفتر مرکزی که با عث تغذیه شهرستانها از نظرابعاد مختلف باشد وجود ندارد؟
ج ۲۸: اشکال واردی است من الان به آقای دکتر جاسبی میگویم که در شورای مرکزی از قول برادران مسئولان دفاتر حزب در سراسر کشور از هیئت منصوب برای برنامۀ یکساله سؤال کنند که چرا تا حالا تا خیر شده؟ این را شما از قول همه این جمع در شورای مرکزی از آن هیئت سؤال کنید که چرا تا خیر کردند و آن برنامۀ درست نکردند البته خود آقای دکتر جاسبی بنده خدا خوب کار می‌کنند ایشان مورد سؤال قرار نگیرند ایشان در حقیقت تمام وقت کار

می کنند برادرانی که منظور شده بودند از طرف شورای مرکزی و عضو شورای مرکزی هم هستند که با ایشان همکاری می کنند در تحقیق و بیرون آوردن این برنامه چرا این کار را نکردند؟ از ایشان سؤال شود.

س ۲۹: در مورد شرکت اعضا در پایگاه های مقامت چه نظر دارید؟
ج ۲۹: اشکالی ندارد

س ۳۰: بعضاً "مشاهده میشود روزنامه جمهوری اسلامی مواضع کلی حزب را رعایت نمی نماید، یا اینکه صحبت بعضی از شخصیت های حزبی از طریق این روزنامه حتی بیشتر از روزنامه های دیگر سانسور میشود قبلاً شنیده شده بود که در شورای مرکزی برای رفع این مشکل وسایر مشکلات قرار بوده برای روزنامه هیئت امنای تشکیل شود. لطفاً بفرمائید در این رابطه نظرتان چیست؟

ج ۳۰: البته یک گله مندی هایی بعضی از برادرها و بعضی از برادران شورا از روزنامه داشتند که ما صرف وقت کردیم که ده دوازده ساعت تقریباً وقت گذاشتیم. با حضور خود من جلسات مشترکی تشکیل شد و آن ابهامها برطرف شد. یک مقدار از توقعاتی که از روزنامه هست ناشی از عدم توجه به مشکلات و ضرورت های روزنامه است.

روزنامه برای اینکه بتواند یک روزنامه عمومی و همگانی باشد و پیام حزب را به همه مردم برساند چاره ای که محدودیتها نمی تواند قبول کند و تحمل کند، ناچاروناگزیر است که یک مقداری دست روزنامه بسازد باشد. این یک حقیقت است البته یک جاها هم شاید

بی توجهی هایی شده بود که تذکرات لازم داده شد. الان من فکر می کنم وضع روزنامه خیلی خوب است. البته قبلاً هم آنطور اشکال بزرگ و اساسی نداشته ولی به هر حال، الان بهتر از قبل شده است.

اگر به نظر برادران اشکالاتی میرسد به ما منتقل کنند تا ما آنرا به برادران روزنامه بدهیم که آنرا اصلاح کنند.

س ۳۱: وضع آموزشی حزب بخصوص در زمینه سیاسی چرا تقویت نمیشود و چرا برنامه مشخص و منظمی ندارد؟

ج ۳۱: واحد سیاسی فعالیتش الان خیلی کم است و لازم است که فعالیت قویتری داشته باشد. یک مشکلاتی در این زمینه داشتیم که فعال بر خورد کردیم و بر طرف شد. لکن من قبول میکنم که آموزش سیاسی در حزب ضعیف است و باید یک مقداری در زمینه آموزش کار منظمتری انجام بگیرد.

س ۳۲: اخیراً در مسائل اقتصادی حرکاتی علیه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست محترم و محبوب مجلس و عضو شورای مرکزی صورت میگیرد، شما با این مسائل چگونه برخورد میکنید؟

ج ۳۲: برخورد سخت و جدی و قاطع، هر کسی که بخواد هدایا برادر عزیزمان آقای هاشمی رفسنجانی که یکی از دخییره های بی نظیر انقلاب هستند موضع گیری ای را دگیرانه و مودیانه

بکنند در مقابل ما قرار دارد. (تکبیر حضار).
سرما میوه وجود برادرمان سرما میوه ایست که در انقلاب، در حزب در همه عرصه های گوناگون اجتماعی امروز ارزشمند و

و عالیقدر است. مبدا اختلاف سلیقه‌های جزئی بعضی از برادرها موجب بشود که این حقیقت روشن را و قدرشناسی از ایشان را تحت الشعاع قرار بدهد و مورد توجه قرار ندهند و این را مراقب باشند. البته دستهای شیطان‌نی وجود دارد که سعی میکنند به یک کیفیت چهره‌ها را زیر سؤال ببرد. و از جمله ایشان را مورد انتقاد قرار بدهد که با نامهای مختلف هستند و ما اطلاع داریم.

شما می بینید که این رادیوهای بیگانه چه میکنند. در زمینه افکندن شایعه و وجود اختلاف، کاری را که رادیوهای بیگانه اصرا دارند و انجام میدهند پیداست که استکبار جهانی و مخالفین با انقلاب دلشان میخواهد این اختلاف وجود داشته باشد و حال که نیست دلشان میخواهد شایعه‌اش وجود داشته باشد و هر کسی به این شایعات کمک کند پس به آنها کمک کرده است. به این نکته توجه کنید و هوشیارانه با این مسئله برخورد کنید. این جزو مسائل فوق العاده حساس ما است.

س ۳۳: از دو جریان اقتصادی حزب بعضی‌ها خودشان را منسوب به شما و فرمایشات شما و برخی به برادرمان آقای هاشمی رفسنجانی می‌دانند و طوری وانمود می‌کنند که گویا بین شما دو بزرگوار اختلاف نظری هست. این حرکت را چگونه می‌بینید؟

ج ۳۳: این حرکت را حرکت رادیوهای ضد انقلاب می‌بینیم و واضح است. و این را بشما می‌گوییم و بد نیست حالا فشاکنم. یک گزارشی دو سال و اندی قبل به من رسید و من

بعد تحقیق کردم دیدم واقعیت داشته است. در بعضی از محافل ضد انقلاب و همین گروه‌های بی نام و نشان صحبتش بود (یکی از بحثهایی که آنجا شده این بود) که ما بسا بدیک کاری بکنیم که یا خائنها را یا هاشمی را از حزب بگیریم هر کدام را هم باشد فرقی نمیکند. اگر اینکار را توانستیم موفق خواهیم شد. اینها نشستند و رویش فکر کردند طرح دادند بر نامه ریزی کردند دینا "تلاش هم کردند. حالا راده پروردگار براراده آنها غلبه کرد و ناگهان شدند بعمد الله این لطف الهی و هوشیاری برادران و عزیزان ما بود ما این را شما بدانید که این جزو خطوط ضد انقلاب در این مملکت است.

فکر کردند که شاید بتوانند اینجاشکافی ایجاد کنند که آنوقت دنیا لش را بگیرند و نتوانستند و چیز طبیعی است بین من و کسی مثل برادرمان آقای هاشمی را نمیتوانستند با این حرفها جدا کنند. بنده همه میدانند) از قدیم علاقمند و رادتمند آقای هاشمی بودم و الان هم هستم ایشان هم به بنده خیلی لطف دارند و این صداقت و رفاقت و صمیمیتها صحبت امروز و دیروز نیست که بشود و بیاید و بخوانند رویش یک اخلاقی بکنند. این رفاقت جوشیده از دوران اختناق است. من یک وقتی با برادرها صحبت میکردم که در آن دوران اختناق ما خیلی از رفقای نزدیک و صمیمی خودمان را از دست دادیم. رفقای عزیز ما داشتیم، رفیقهای صمیمی که واقعا حاضر بودیم تمام موجودیمان را بدهیم به آنها و آنها هم حاضر بودند متقابلا

تمام هستی شان را بدست ما بدهند. اینجور با هم رفاقت‌های شیرین و نزدیکی داشتیم. مبارزه، بین ما جدائی انداخت یعنی که ما طرفدار انقلاب بودیم، طرفدار مبارزه بودیم، طرفدار رهنهت بودیم. آنها یا مخالف بودند یا علاقمند نبودند. ما از آنها قطع کردیم نه اینکه آنها از ما قطع کنند با اینکه وضع ما خوب نبود، خیلی سخت بود، ریرفشار بودیم، زیر نظر بودیم، خیلی‌ها می‌ترسیدند با ما ارتباط داشته باشند آن دوستانها را ضربودند با ما رابطه داشته باشند. ولی ما حاضر نبودیم با آنها رابطه داشته باشیم و قطع کردیم. حتی از نزدیکان خودمان جدا شدیم و همچنین از خویشاوندان نزدیک در همان دوران اختناق جدا شدیم. هر وقت من آقای هاشمی را می‌دیدم، یک جان تازه‌ای گویا در کالبد من دمیده میشد. محال بود سربیک قضیه‌ای ما با هم مشورت نکنیم.

ایشان تهران بودند من مشهد بودم (۱). ارتباطات ما با همدیگر ارتباطات مستمر و جدائی ناپذیری بود و اینکه گفتم یک واقعیتی است که هر موقع آقای هاشمی را می‌دیدم همه آن غمها و غصه‌هایی که از ناحیه دیدن آدمهای ناباب

(۱) - البته مدتی در سال ۴۵ هردو فراری بودیم و مخفیانه در تهران منزلی را اجاره کرده بودیم که یک طبقه ایشان و یک طبقه من نشسته بودم ولی بعد از آن من مشهد آزاد بودم و ایشان تهران زندان بودند دنیا من زندان بودم و ایشان آزاد بودند.

در آن مبارزه بردل من وارد شده بود از دل می‌رفت و شاد میشدم. یک انسان مقاوم، یک انسان هم‌فکر.

در این بیست و چند سالی که بنده با ایشان آشنا هستم (۱) کمتر مسئله‌ای بوده که ما با هم بحث بکنیم (بخصوص مسائل اصولی) و اندک اختلافی بین نظرات ما وجود داشته باشد.

در طول مدت اختناق و مبارزه در میان مبارزین اختلاف بود، سرقضای مختلف، سرشخصیت‌ها، سرکتابها، سرفروض گیریها بین شخصیتها اختلاف بود ولی بین من و ایشان هیچ وقت اختلاف نیافتاد. نه من و نه ایشان هیچ کدما مان با هیچ کس دیگری اینقدر نزدیک نبودیم. خوب، شهید بهشتی میدانید عزیز ما و دوست دیرین ما بود ولی نه آقای هاشمی با آقای بهشتی رفاقتش به اندازه من بود و نه من رفاقتم با شهید بهشتی به اندازه رفاقت با آقای هاشمی بود و همین طور بقیه. مثلاً "برادرمان آقای هاشمی سوابق زیادی با شهید با هنر داشت یعنی رفاقتشان قبل از رفاقت با من بوده و با هم در قم هم حجره بودند. در عین حال در آن برهه دوستی ما بخصوص در دوران مبارزه، ارتباطات، همکاری‌ها، همدلی‌ها، تبادل نظرهایی که ما دونفر با هم داشتیم ایشان با

(۱) - آشنائی ما در کربلا در سال ۱۳۳۶ اتفاق افتاد. شاید آثر برکت تربت مقدس هم بوده که این آشنائی اینجور با برکت بوده است.

رفیق دیرین خود آقای با هنر داشت لذا بحمد الله این
تدابیر سوء عمل نکرده است .

البته از کید شیطان بیاید غافل نبود و شیطان کیسد
میکند و ما هم با یدیه خدای متعال پناه ببریم .

موفق باشید - انشاء الله

۲۹ شهریور ماه ۶۳

[Faint, mostly illegible handwritten text in Persian script, likely a letter or report.]

[Faint handwritten text at the bottom of the page, possibly a signature or additional notes.]

